

عده رای دهندگان ۶۹ - مهر تقویم ۶۹ هجری
 آقای مرالمک ۶۲ رای - آقای میرزا رضای
 مستوفی ۴۰ رای - آقای مصدق السلطنه ۳۶ رای
 آقای نصرالمک ۳۶ رای - آقای اقتدارالدوله ۳۰
 رای - آقای میرزا محمدعلیخان مستوفی ۳۰ رای -
 آقای میرزا رضاخان نائیبی ۳۲ رای - آقای مرالمک
 ۲۹ رای - آقای میرزا داودخان ۵۲ رای - آقای
 مجیرالملک ۲ رای - احتصاص الملک بکرای - آقای
 میرزا زین العابدین خان یک رای آقای ضدالمالک
 بکرای و رتبه سفیدملا امتناع یکمده

رئیس - آقایانی که رای داده اند ۶۹ نفرند
 اکثریتی که لازم است ۳۵ رای است آقای مرالمک
 با اکثریت ۶۳ رای و آقای میرزای مستوفی با اکثریت
 ۴۰ رای ...

(گفته شد آقای میرزا رضا ۴۱ رای دارند)
رئیس - صورت از اینک در هیئت رئیس
 شعبه میشود همان قرائت میشود آقای نصرالمک
 و آقای مصدق السلطنه هر کدام ۳۶ رای دارند بعد
 میاید آقای میرزا علیخان مستوفی و آقای اقتدارالدوله
 هر کدام دارای ۳۰ رای هستند باید قرعه کشیده
 شود (در این وقت آقایان مستخرج آنرا اعلام فرمودند
 و آقای اقتدارالدوله بحکم قرعه معین شده)

رئیس - پس پنج نفر آقایان منتخبین از این
 قرار خواهند بود آقای مرالمک - آقای میرزای
 مستوفی - آقای نصرالمک - آقای مصدق السلطنه و
 آقای اقتدارالدوله - آقای سردار محمد زجاج بدستور
 تقاضای کردند باید رای بگیریم

سردار معظم - چون بعضی از آقایان فرمودند
 که مدتی قبل آن لایحه را مطالعه کرده اند و فعلا
 در نظرشان نیست این است که بنده هم در این پیشنهاد خودم
 اصراری ندارم و پس میگیرم

رئیس - آقای مخبر که بنده هم در این پیشنهاد خودم
 گیری برای جلسه آتی حاضر میشود ؟

سردار سعید مخبر - برای روز یکشنبه حاضر
 میشود چون برای اینکه آقایان از روی صحت و
 با اطلاع از جزئیات نتیجه رای بدهند يك شرطی
 از وزارت جنگ خواسته بودیم و بنا بود امروز آن
 را بفرستند و حاضر نشده بود برای روز شنبه حاضر
 شده و خودشان آنصورت را میآورند چون بنده
 میخواهم فعلا آنصورت را بیاورند و طبع و توزیع
 شود این است که عرض می کنم برای روز شنبه حاضر
 خواهد شد

رئیس - پس برای روز شنبه حاضر خواهد شد و
 برای روز یکشنبه جزء دستور باشد ؟

سردار سعید - بلی حاضر میشود .

رئیس - پس جلسه آتی روز یکشنبه ۳ ساعت
 بیرون مانده دستور هم شور دوم در قانون سرباز -
 گیری خواهد بود .

شیخ الملک - البته آقایان نمایندگان اصلاح
 نظامنامه داخلی را لازم دانسته اند که در پنج شش
 ماه قبل يك کمیسیونی برای اینکار تشکیل دادند و
 تاکنون هیچ اثری از آن کمیسیون بظهور نرسیده
 و همچنین راجع بوسیله هم که باین کمیسیون رجوع
 فرمودند نمیدانم چه اقدامی کرده اند گمان میکنم هم
 وکیل لازم ندارد و باید حق انتخاب از آنها ساقط
 باشد و الا چرا در این باب توجهی نفرمایند .

رئیس - آقای سردار معظم مخبر آن کمیسیون
 تشریف ندادند بایشان تا یکدیگر میکنند که اگر منظوری
 دارند در مجلس عرض کنند و اگر منظوری ندارند
 تا یکدیگر نمایند که کمیسیون زودتر کار خودش را انجام
 بدهد - آقای سلیمان میرزا در این موضوع فرمایشی
 دارید ؟

سلیمان میرزا - در این موضوع خیر عرض
 دیگری دارم .

رئیس - بفرمایند .

سلیمان میرزا - البته فراموش فرموده اند
 کدر جلسات قبل آقای حاج سید رضای فیروز آبادی
 و بعضی آقایان دیگر راجع برسدی بحساب مسیو
 برنارد و بمباره آخری خزانه داری بعضی صحبتها
 فرمودند و بالاخره نتیجه این شد عرض اعضائیکه
 استمفا کرده اند عضو های جدیدی برای کمیسیون
 معین شوند و با يك جدیدی باین حساب رسیدگی
 کنند از آن تاریخ بده هنوز اعضاء جدیدی برای
 این کمیسیون معین نشده است بنده تقاضا میکنم اگر
 ممکن باشد آنرا هم جزء دستور معین بفرمایند که
 زودتر آن اعضاء معین شود باین حساب رسیدگی
 کنند .

رئیس - بسیار خوب جزء دستور یکشنبه خواهد
 بود بضمیمه انتخاب چند نفریکه عرض میشود یک نفر
 بجای آقای سردار معظم بعضویت کمیسیون نظام
 یک نفر بجای آقا میرزا محمد نجات در کمیسیون
 معارف - یک نفر بجای آقای مصدق السلطنه بعضویت
 کمیسیون است و تلگراف - و دو نفر بجای آقای
 آقا شیخ جویی و مرآت السلطان بعضویت کمیسیون داخله
حاج شیخ اسدالله - بنده چندین بار
 باب امر نان يك شوالی از وزارت داخله کرده ام
 بعد از آنکه مدتی طول کشید و کسی برای جواب
 حاضر نشد در مجلس یادآوری کردم و قرار شد شرحی
 از هیئت رئیس نوشته شود بوزارت داخله تا یکدیگر شود
 معهدا باز می بینم امران دوز بروز بدتر و سخت تر
 میشود و مردم در فشارند و البته آنکه بجائی نرسد
 فریاد است بنده خیلی تعجب میکنم که يك يك امر
 خیلی سهل و هادی را که این اندازه مردم در فشارند
 هیچ معن توجه قرار نمی دهند و حال آنکه اگر
 بخواهند در این کار اقدامی بفرمایند گمان میکنم خیلی سهل
 حکومت طهران ابتدا توجه نمیکند که در مجلس
 شورای ملی چه مذاکره می شود در صورتیکه از
 طرف هیئت رئیس ابلاغ شده است چرا برای جواب
 حاضر نمیشوند بنده با عرض میکنم که اگر این مطلب
 یکی دو ماه بهمین قسم بگذرد و هیئت دولت اقدامی
 نکنند یک وقتی ملتفت میشوم که اصلاح اینکار خیلی
 سخت میشود و باید شرهای فوق العاده با اصلاح
 امران موفق نمیشوند و باید مردم بیچاره از صبح تا
 شام بروند بکتران یا دوقران تحصیل کنند و مدتی
 هم در دکان نانوائی برای تهیه نان معطل شوند مثل
 اینکه امروز هم همین طور گرفتارند بنده باز استدعا
 میکنم برای پیش بینی این مطلب و برای آسایش
 اهالی شرحی مجدداً از طرف هیئت رئیس بوزارت
 داخله نوشته شود و اهمیت این مطلب را خاطر نشان
 کنند و تا یکدیگر نمایند که وزیر داخله یا معاونش برای
 جواب حاضر شوند که بهیچین برای آتی چه پیش بینی
 کرده اند چون بنده هر چه تصور میکنم می بینم این

مسئله بدفع الوقت میگذرد و بیچاره مردم از صبح تا
 شام باید معطل نان بشوند آنوقت هم يك ناننی بآنها
 بدهند که نشود خورد این وضع مملکت است

سلیمان میرزا - البته سؤالی که آقای حاج
 شیخ اسدالله از وزارت داخله فرموده اند باید وزیر
 داخله یا معاونش برای جواب حاضر شوند اما در مسئله
 نان که صحبت میفرمایند همین طور هم هست بنده تصدیق
 دارم که مردم سخت میگذرد و لیکن باین سهل و
 سادگی نیست که حکومت طهران قفلت یا قصور کرده
 باشد بنده کاملا اطلاع دارم که حکومت طهران یعنی
 شخص دبیرالملک با وجود کسانی که دارند از صبح
 تاغروب در اینکار و ننگی و اقدام میکنند لیکن
 مسئله از چند جا عیب دارد که باید در صدد اصلاح
 آنها برآمد و البته باید جد کنند و اصلاح کنند تقصیر
 برحکومت طهران نیست یکی این است که امسال گندم
 در اطراف طهران خیلی کم است و آفت بآنها رسیده
 است و دیگر اینکه امسال خزانه داری توانسته
 است کاملا اجناس اطراف را که مالیات میدهند آورد
 انبار کند حالاهم مثل سایر موارد که در سالهای پیش
 اتفاق می افتاد و مجلس با هیئت دولت مساعدت میکرد
 و میتوانستند جبران این امر را بکنند باید مجلس و
 دولت در مسئله نان اتفاق کنند چون وقت هم از برای
 حمل و نقل چیزی باقی نمانده بجهت اینکه بعد از
 آنکه هوا سرد شد و برف آمد دولت از رساندن
 گندم عاجز خواهد شد پس بهترین است علاوه بر
 اینکه آقای حاج شیخ اسدالله سؤال میفرمایند يك فکر
 هم بطور کلی در جلسات خارج و در فرا کمیونها
 برای انجام اینکار بکنند که حقیقا از برای دولت يك
 کمکی باشد تا اینکه مردم در آسایش باشند بنده
 تنها يك سؤال کفایت کنم و تصور کنیم وظیفه و کالت
 را انجام داده و از وزیر داخله سوالی کرده ایم در دوره دوم
 هم همین اتفاقات افتاد و از طرف مجلس هم قسم مساعدت شد
 حالاهم خوبت وزیر را بخواهند يك فکری بکنند که
 علاوه بر ادای وظیفه و کالتی يك کاری کرده باشند که
 اسباب آسایش و راحت یکمشت مردم طهران فراهم
 شده باشد .

سردار معظم - گویا در غیاب بنده راجع
 بکمیسیون نظامنامه داخلی سؤال شده است خواستم
 عرض کنم .

رئیس - مذاکره راجع به مسئله نان است .
سردار معظم - در مسئله نان هم اظهارات
 شاهزاده سلیمان میرزا را تایید میکنم که بسؤال تنها
 نمیشود اکتفا کرد و باید يك کاری کرد که این امر
 اصلاح شود و آنچه بنده اطلاع دارم مسئله نان یان
 دوچه که بگویند بهیچ باشد مملکت باید از طرف مجلس
 يك کمک هائی بشود و با این قبیل کمکهای خارجی
 این مسئله اصلاح شود در باب نظامنامه داخلی هم اگر
 اجازه بفرمایید بعد عرض میکنم .

حاج شیخ اسدالله - بنده مقصودم در این مورد
 يك شخص بخصوصی نبود و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا
 فرمودند برای نان طهران کاملا پیش بینی نشده و
 خزانه داری هم جنس خالصه را بطهران حمل نکرده
 است در واقع خود ایشان هم معایب کار را تصدیق
 کردند لیکن بنده عرض میکنم مدت است این مطلب در
 طهران اسباب زحمت مردم شده و دوسه مرتبه هم
 در مجلس مطرح مذاکره گردیده و از طرف بعضی

نمایندگان در این باب از دولت سوال شده و هیچکس
 نماینده در اینجا بگویند در اینجا چه اقدامی کرده اند
 و چه نقشه کشیده اند و چه مساعدهتی از مجلس میخواهند
 عرض بنده در این است که حکومت طهران با اینکه
 حس میکند این اشکالات در پیش است ابتدا بتوسط
 وزارت داخله نقشه خیال خودش را بمجلس اظهار نمیکند
 و وزارت داخله هم بهیچوجه برای جواب حاضر نمیشود
 بنده هم که یکی از نمایندگان هستم نمیدانم مجلس
 شورای ملی چه مساعدهتی باید با هیئت دولت بکند ؟
 مجلس که داخل در جریان امور نیست از طرف دولت
 هم که برای مذاکره حاضر نشده اند همین قدر ما
 می بینیم مردم در فشارند بنده میخواستم بدولت تا یکدیگر
 شود و دولت را از عاقبت زخمی کاینکار دارم مطلع
 کنند که اگر جلوگیری نشود هم اسباب زحمت مردم
 هم اسباب زحمت خود آنها خواهد شد .

حاج مومنین التجار - بنده هم شاهزاده سلیمان -
 میرزا موافقم که حکومت طهران جدیدت خودش را
 باعلی درجه دارد بنده دیروز در هیئت وزراء بودم
 حکومت طهران خدمت آقای رئیس الوزراء آمده
 بود و با خیلی اصرار و التماس اظهار میکرد که اگر
 يك توجهی در این باب نشود عمل نان طهران دچار
 اشکالات خواهد شد ولی آنچه بنده از گوشه کنار
 حس کرده ام يك التماس و يك نظریاتی در این مطلب
 دیده میشود که جنس بطهران نباید و مردم دچار صدمه
 و لشکال شوند اگر يك کمیسیونی بشود باید این نکته
 را ملتفت باشند که يك التماس و یک نظر یاتی در این
 مطلب هست و باید آنرا چاره کنند والا تا بحال از
 اطراف یعنی از عراق و قزوین و غیره باید جنس بطهران
 وارد شده باشد .

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواست است .
 (مجلس متاور غروب ختم شد)

جلسه ۷۵۹

صورت مجلس روز یکشنبه چهارم دهم

شهر ذیحجه ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت
 ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس
 روز پنجشنبه یازدهم قرائت شد

غائبین با اجازه - آقایان عدالمک - شریعتدار
 صدرالملک - حاج سید اسدالله قزوینی - میرزا قاسمخان

غائبین بدون اجازه - آقایان محمدشاه میرزا
 نجفقلی میرزا - مرضی - آقایان میرالمک - آقا شیخ
 رضا دهخوارقانی

رئیس - با صورت مجلس مخالفی هست یا نیست ؟
 (اظهاری نشد)

رئیس - مخالفی نیست صورت مجلس تصویب
 شد - دستور امروز شور دوم قانون قشون گیری
 است و بعد انتخاب چند نفر بجای آقایانیکه در
 کمیسیونها مستعفی شده اند اول باید رای بگیریم که
 داخل در شور دوم قانون قشون گیری بشویم یا نه
 آقایانیکه تصویب میفرمایند داخل در شور دوم بشویم
 قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود
 (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - اساس قشون گیری دولت ایران
 بطرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) است

رئیس - در ماده اول مخالفی هست یا نیست ؟

(مخالفی نشد)
 رای میگیریم بنده اول آقایانیکه ماده اول را
 تصویب میکنند قیام نمایند
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود
 (بقرار ذیل خوانده شد)

ماده دوم - افواج پیاده و دستجات سوار و توبه
 خانه تا تعدیل ثانوی از طرف وزارت جنگ بموجب
 قانون مصوبه مجلس بعمل نیامده کمافی السابق از
 محلها و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون می -
 داده اند گرفته میشود

رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - تعدیل
 از طرف وزارت جنگ صحیح نیست بجهت اینکه این
 سرباز گیری تابع مالیات است و تا مالیات تعدیل
 نشود تعدیل سرباز ممکن نیست باید نوشت این تعدیل
 بانظر وزارت جنگ و وزارت مالیه خواهد شد

مخبر - همانطوری که در شور اول بنده مصلحا
 توضیح دادم البته باید تعدیل مالیات بانظر وزارت مالیه
 باشد ولی اینجا ما صحبت از سرباز گیری میکنیم
 و مالیات ظاهراً کاری نداریم اگر چه باطناً با هم دیگر
 مربوطند و چون این قانون نظام است راجع بوزارت
 جنگ خواهد بود و ما اسرار تعدیل وزارت جنگ
 میگذاریم منتها بعد از پیشنهادهاییکه در شور اول
 شد این ماده تغییر کرد و اینطور نوشته شد که تعدیل
 بموجب قانون مصوبه مجلس بعمل خواهد آمد و
 گمان میکنم وقتی اینطور شد یعنی موقعیکه میخواهند
 تعدیل بکنند لایحه آن بمجلس بیاید و مجلس رای
 بدهد که عده سرباز هر محلی چقدر باشد دیگر جای
 گفتگو باقی نیماند .

حاج امام جمعه - اساسی سرباز گیری سابق
 خیلی مختلف بوده است و هر جا يك ترتیب مینجده
 داشته است و در بعضی جاها خیلی بی ترتیب بوده حالا
 هم اگر بخواهیم بدون تبعیض همان اساسا تعقیب کنیم
 باز مثل سابق اسباب زحمت خواهد شد مثلا بعضی
 جاها کمتر میداده اند اگر وزارت جنگ بخواهد همان
 ترتیب را بدون تبعیض تعقیب کند اسباب زحمت بزرگی
 خواهد شد چون در این قانون هیچ اختیاری در تعدیل
 بنیچه بوزارت جنگ داده نشده آقای مخبر و سایر
 آقایان مسبق هستند که آن عده که سابق در روی
 کافت بود خیلی بیشتر از هفتاد و پنجاه هزار نفر بود
 ولی در خارج اینقدر نبود پس خوب است در اینجا
 يك اختیاراتی در تعدیل بنیچه ما بوزارت جنگ داده
 شود والا اگر بخواهیم همان بنیچه سابق را همانطوریکه
 بوده تعقیب کنیم در بعضی موارد بغلای از اشکالات
 بر میخورد .

مخبر - در شور اول در این باب کاملا مذاکره
 بعمل آمد و عقیده وزارت جنگ هم این بود که تا یک
 اندازه باید اختیار داشته باشد که بعضی محلها را که
 یکی بیجا میداند تعدیلی بعمل بیاورد یعنی از هفتاد
 سرباز آنجا بتواند کم بکند و بريك نقطه دیگر
 (که استطاعت دارد و آبادیش بیشتر است و بهتر
 میتواند سرباز بدهد) بیفزاید که هم از هفتاد قشون
 کاسته نشده باشد و هم بر رهت فشار زیادی وارد
 نیامده باشد در این خصوص مذاکرات زیادی در
 مجلس شد و بعضی پیشنهادها شد و بکمیسیون رفت

بمه اینصورت را پیدا کرد نظر آقا باذریابجان است
 بنده خودم هم تصدیق دارم که در آذربایجان در
 بعضی محلها سرباز زیاد و بعضی محلها خیلی کم و
 تقیصه دارد و باین ترتیب گمان میکنم وزارت جنگ
 مجبور خواهد بود که بعد از گذشتن این قانون قشون
 بتعدیل قشون آذربایجان شروع کند و يك صورت
 تعدیلی مرتب نماید و بمجلس بفرستد و وقتی از مجلس
 گذشت البته بتوقع عمل خواهد شد .

رئیس - آقای مؤید الاسلام مخالفید ؟

موقی الاسلام - توضیح میخواهم در سابق
 که قشون را بطرز بنیچه می گرفتند در کرمان که
 بنده اطلاع دارم خیلی املاک از دادن سرباز معاف
 شده بودند در صورتیکه حتی هم نداشت فقط فرمان
 صادر کرده بودند که از فلان ملک سرباز گرفته نشود
 آیا آن املاک باز بعد از گذشتن این قانون معافند
 یا خیر و از هفت هزار دهشاهی که بنیچه معمول بوده
 است از تمام املاک سرباز خواهند گرفت خوب است
 آقای مخبر این مطلب را توضیح بفرمایند .

مخبر - آن ولایاتی که فرمان داشته اند یعنی
 فرمانهای زمان ناصرالدین شاه که قبل از مشروطه
 بوده است البته آن فرمانها مناط اعتبار است (حالا
 هم معاف خواهند بود تا موقعیکه تعدیل ثانوی بعمل
 میاید آنوقت اگر دولت دیدد آن محلها میتوانند
 سرباز بدهند البته سرباز از آن جا ما مطالبه خواهد
 نمود و الا همانطوریکه معاف بوده اند معاف خواهند
 بود ولی از اول مشروطه تا بحال باید بتصویب
 مجلس باشد

سردار معظم - بنده تصور میکنم این ماده
 همانطوریکه در شور اول نوشته شده بود خیلی بهتر
 بود چون اگر این ماده راجع با اساس قشون گیری
 بود بنده هم موافق بودم که البته اساس قشون گیری
 باید بر حسب يك لایحه ثانوی بمجلس پیشنهاد شود
 و از مجلس بگذرد ولی ماده دوم راجع با اساس قشون
 گیری نیست بلکه راجع بمحلهاست است که باید
 قشون بدهند و راجع بفرج و تعدیلهاست است صحت
 ممکن است در آن محلها واقع شود بنا بر این بنده
 صحیح نمیدانم وزارت جنگ تا مقید کنیم که بعد از يك
 قانونی که از مجلس بگذرد این خرج و تعدیلها را
 بکنند فرض کنید يك محلهاست است که وزارت جنگ
 ما يك ملاحظات و دقتهایی می بیند استطاعت دادن
 سرباز را ندارد (حالا بنده حرقی ندارم که آن ملاحظات
 دقتها را زیاد کنیم یا شرایطش را سخت تر کنیم یا
 نظر وزات مالیه را شرط کنیم) اما اگر این قبیل
 محلها بود وزارت جنگ چه کند ؟ آیا باید از آن
 محل صرف نظر کند و از محل دیگر عوض بگیرد
 یا اینکه از برای معافیت آن محل و عوض گرفتن باید
 يك لایحه قانونی بمجلس بیاورد مخصوصاً صورتیکه
 ضمیمه این قانون است فقط صورتی است که روی
 کاغذ ثبت شده است و يك قسمت آن ابتدا وجود
 خارجی ندارد و اگر دقت شود فقط يك دل خوشی
 خواهد بود که فلانجا را چهار صد نفر سوار و فلانجا را
 یا صد نفر سرباز تصویب کرده ایم خیر مقصود مجلس این
 نیست بلکه مقصود مجلس این هست که وقتی این قانون
 از مجلس بگذرد واقعا و عملا دولت ایران دارای

يك عده قشون يادار شود پس وقتيکه اين نظرها داشته باشيم آن وقت ديگر نميشود وزارت جنگ را مقيد کرد که در هر موقعيکه بمخواهد جرح و تعديلي بکند حتماً يك لايحه قانوني بپسند بپيشتاد کند و در آن دو شور بشود و تصويب شود که وزارت جنگ بجنفر سربراز فلان ده معاف کند و از فلان ده ه نفر عوض بگيرد بنظر بنده اين ترتيب در عمل اسباب اشکال خواهد بود و همانطوريکه اين ماده در شور اول نوشته شده بود بهتر است و بايد وزارت جنگ اينقدرها حق و اختيار داشته باشد که مجلهای سربراز بنده را جرح و تعديل بکند و در شور اول ايرادي که شد اين بود که ممکن است آن معافيتها در هر مورد کاملاً از روی استحقاق داده نشود بسيار خوب در اين صورت ممکن است نظر وزارت مالبه با تصديق حکومت را شرط کنند که بر صحت عمل افزوده شود و وزارت جنگ هم دست و پايش بسته نشده باشد

حاج عز الممالک - اين تغييری که در ماده دوم داده شد تقريباً بر حسب پيشنهادهاست که در شور اول بنده و بعضی آقاهاين کرديم و در حقيقت روح آن پيشنهادها اين است که اين اختيار به وزارت جنگ داده شود برای اينکه ما امروز قانون مينيوسيم و حقيقتاً نميخواهيم يك تعديل تازه اشخاص بکنم بلکه ميخواهيم اساس بنديچه يعني اساسی که از روی آن مالک يارهيت سربراز رعيت ميدهد اند همان اساس محکم و برقرار بماند و اگر اختيار بوزارت جنگ ميدهيم خود شوق در بنديچه تعديلي بکنم همان اشکالاتی که تا بحال پيش آمده است و آقای مؤيد الاسلام هم توضيح خواستند باز پيش می آيد اينجا گفته ميشود که اختيار بوزارت جنگ داده شود ولی بايد دانست اين هيئت که در طهران وزارت جنگ ناميده ميشود در ولايات هيئت وزارت جنگ نيست و مامورين سربراز گيری است اگر چنانچه بوزارت جنگ اختيار داده ميشود آنوقت اين مامورين معترار ميشوند که يك دهی را از دادن سربراز معاف نمايند و برده ديگر تعديل کنند و هيئت ترتيب اسباب آبادی يك ده و خرابی ده ديگر ميشود و شايد رؤسای افواج ضروری می کنند

که يك عده معيني بواسطه تعديل بی اندازه از نگاهداری املاك خودشان حاضر شوند پس امروز مجلس فقط آن ترتيب بنديچه يعني اساس مالياتی را که سابقاً مردم ميدهادند و محل اختلاف هم نبود تصويب ميکنند حالا اگر بايد يك تعديل ثانوی بشود يا بعضی جاها هست که قادر سربراز دادن نيستند و سربراز از آن گرفته ميشود يا بعضی جاها هست که قادر هستند و سربراز نميدهادند اند اين سبب نميشود که بوزارت جنگ اختيار داده بشود بلکه بايستی در تحت يك قانون ثابت يعني يك ترتيب متساوی باشد و بايد از برای سربراز گيری در تمام مملکت يك قانوني بمجلس پيشهاد شود و پس از تصويب وزارت جنگ مطابق آن قانون بطرز جديد سربراز بگيرد و الا تا وقتيکه قانون معيني بمجلس پيشهاد نشده باشد همان طرز بنديچه يعني همان ترتيبی که سابق معمول بوده معمول ميشود

باشد و همان عده سربرازی که هر محل بدولت ميدهادند است همان عده را بدهد و نميشود اختيار بوزارت جنگ داد که يك عده را از يك محلی کم کند بر محلی ديگر بيفزاياند

حاج امام جمعه - چون من مالبه خيلي

رياد اين مسئله را ميدانم اين است که مجبورم در اين جا درست اين مطلب را توضيح بدهم بنده تصور ميکنم اين حرف ها می که آقای حاج عز الممالک گفتند بر خلاف مقصود اول است يعني مقصود ما از هر قانونی که در اينجا ميگذرد خاصه در اين قانون که برای اسلام ميخواهيم قشون تهيه کنيم بايد با يك نظر تساوی اين قانون را بگيريم البته همه آقاهاين تصديق ميکنند که بايد بطور تساوی اين مسئله را تقسيم کنيم و بيك جايی برسانيم و چون بنديچه های سابق در هر شهری مختلف بود حکومت يك زمينه صحيحی را غالباً تعقيب ميکرد من خود بصيرت تامه دارم که يك دهی که استعداد کامل دارد و بايد از روی همان بنديچه سربراز بدهد فرمان صادر کرده اند و از دادن سربراز معاف شده است و بگيرد ديگر که ابتدا استعداد ندارد مجبورش کرده اند و از روی همان مالبه و بنديچه سربراز خودش را بدهد و چون نمیتواند از هديه دادن سربراز بر آيد اينستکه همیشه فوجها کسر و نقصان پيدا ميکند است حالا اگر ميخواهيم يك کار با اساسی بکنيم و و تمامه مانطوريکه آقای سردار گمنام قشون روی کاغذ نباشد قشون صحيحی داشته باشيم بايد بنديچه هر ولايتی را بهمان ترتيب که سابق بوده وزير جنگ معمول بدارد مثلاً اگر اين ولايت بنايش بر اين بوده که هر سي تومان مالبه يك نفر سربراز بدهد آنرا بطور تساوی از تمام دهات بگيرند چون خيلي جاها هست که امروز بهيچوجه سربراز نمی دهند و حال آنکه حق ندارد که سربراز نداشته باشد خيلي جاها هست خرابیست و نمیتوان از هديه دادن سربراز بر آيد معافاً او را مجبور بدان سربراز می کرده اند پس ما که در اينجا ميگوئيم اختيار و حق نظری بوزارت جنگ بدهيم مقصودمان اين نيست که مامورين وزارت جنگ اختياری داشته باشند و بتوانند باهالی تعمدي و تجاوز بکنند يعني منظور من اين نيست و همچوقت نمیتواند اين باشد بلکه مقصود من اين است که مامورين صحيح بفرستند و بطور عدالت و مساوات اينکار را بکنند نه اينکه جاهائیکه سابق فرمان صادر شده است و معافند و هيچ حق مساويت ندارند آنها را معاف بدارند خيلي جاها را هم دولت بدالياتش تخفيف داده است بايد آن تخفيف را ملاحظه کنند سربرازش را هم ملاحظه کنند و الا اگر بنديچه قديم را بخواهند تعقيب کنند محققاً اينکار خوب به آخر نميرسد و بداشتن يك قشون صحيحی موفق نمی شويم حالا ديگر اختيار با آقاهاين است

چندين ده که آباد شده است هيچ سوار و سرباز نمی دهند و اين از بابت تسامحی است که هفتاد سال دو يك مملکتی ميزي و تعديل شده و خرابی و آبادی ملاحظه نشده اين چيزهاست که تا بحال واقع شده است امروز هم نميشود اختيار بيك نفر داد که از هر جا بخواهد بردارد و بهر جا بخواهد بگذارد و با اين حال و اطلاها بیکه داريم نمیتوانيم تصديق کنيم ماخذ قشون گيری ما اينطور باشد اصلاً بايد در مالبهات يك ميزي (بترتيبیکه مجلس رأى ميدهد) بشود زیرا که قشون گيری فرع مالبهات است و هر جا مالبهات را تعديل ميکنند سربراز را هم از روی آن تعديل کنند چون اين هم مثل مالبهات است جهت ندارد يك ده که بايد دو نفر سربراز بدهد يك نفر بدهد اين غلط است پس اولاً بايد در مالبهات يك تعديلی بشود و اين سربراز که فرع آن است از روی آن تعديل شود و اگر تعديل کردن مالبهات طول داشته باشد باز دولت ميتواند با نظر وزارت مالبه بخرابی و آبادی نظر کند و اين امر را اصلاح کند باين ترتيب که مامورين از طرف وزارت داخله و وزارت جنگ و مالبه بروند و خرابی و آبادی را ببينند و از روی آن يك تعديلی برای سربراز گيری بعمل بياورند و الا اساس تعديل همان است که بايد اول مالبهات تعديل شود و سربراز از آن رو گرفته شود

رئيس - جنابهاي مخالف نبوديد موافق بوديد

حاج شيخ ابراهيم زنجانی - مخالفم با طرز تعديل بشود

رئيس - مقصود از مخالفت با ماده است وقتيکه ميبرسم مخالفيد ؟ يعنی با ماده مخالف هستيد آقای نظام السلطان شما با چه مخالف هستيد

نظام السلطان - بنده با ماده موافقم

سردار معظم - اينکه تعديل اين ماده را موکول بپيشنهاد فرمودند اگر پيشنهادی شده بود در مجلس قابل توجه شده بود باز بنده بکيسبون نظام حق ميدادم که تغييری در اين ماده بدهيد ولی پيشنهادی که تقديم هيئت رئيسه ميشود بکيسبون نظام ميرود نمیتواند خالی از رأى قطعی مجلس باشد دفاعائیکه آقای حاج عز الممالک از قسمت اين ماده فرمودند بپيقيه بنده رفع اشکال را نميکنند بايد ديد سابقاً طرز قشون گيری چه بوده است و متدرجاً چه شده است و حالا چه اشکالاتی در پيش است در اولين حلقه قشون گيری با يك مناسبات کامل صحيح مربوطی بود و اساس قشون گيری در واقع مالبهات بود تقريباً يا تخميناً معين ميکردند که هر صد تومانی بايد چند نفر سربراز بدهد متدرجاً اين تناسب از ميان رفت در بعضی جاها زياد تر شد و در بعضی جاها بواسطه يك احترام خصوصي و صدور فرامين از دادن يك نفر سربراز معاف شده اند يعنی بعضی جاها که بايد همان عده قشون سابق خودشان بدهند شايد بعضی تخفيفات موقوف شده اند و برعکس بعضی جاها ديگر را وقتی از نقطه نظر مالبهات نگاه کنيم می بينيم با زهم با آن تخفيفاتی که گرفته اند آن عده سربراز که بايد بدهند زياد است زیرا اصل خود محل خراب شده است و استطاعت دادن آن سربراز را ندارد پس آن تناسبی که بين مالبهات و سربراز بود برور ايام از ميان رفته است باز اگر قبل از اينکه اين قانون بمجلس بايد که قشون گيری يك تعديلی ميشود و آنوقت آن تعديل را مدرک اين

قانون قرار ميدانند بنده با اين ماده مخالف نبودم ولی حالا اينطور نيست از يك طرف ما ميدانيم بواسطه هم خوردن تناسبی که سابقاً مابين مالبهات و نفرات قشون گيری بوده اقلب جاها هيئت طور که از مالبهاتشان ناراضی هستند هيئت طور هم از دادن سربراز خودشان شكايت دارند و خودشان را محتاج بيك ميزي و تجديد نظری ميدانند و خيلي از دهات شكايت ميکنند که اين عده قشون سوار و سربازی که ما بايد بدهيم متناسب با قواي ما نيست و خيلي زياد است و از طرف ديگر می بينم پهلوی مانبهات خراب دهات خيلي آبادی هستند که مالبهات ميدهند و سربراز نميدهند يا اينکه نه سربراز ميدهند و نه مالبهات پس وقتيکه قانون گذار ميخواهد بيك قانوني بگذارد بايد اين مالبهات را قشون گيری و راه علاجی پيدا کند يك اشکال عمده که در اينجا وارد است اين است که اگر اساس قشون گيری بر طبق اين قانون معين ميشود تمام اين اشکالات مرتفع بود و اگر مجلس عوض موکول کردن بطرز بنديچه سابق و اينکه ميتويسد (سربراز کماق السابق از مجلهائی که قشون ميدهد اند گرفته خواهد شد) و اگر عوض اين عبارت يك اصلي را اتخاذ بکند و بيگفت قشون ايران بطرز بنديچه است و اساس اين قشون گيری اينطور خواهد بود که هر صد تومان مالبهات بدهد بايد يك نفر سربراز بدهد آنوقت مطلب خيلي سهل و ساده بود و يك اصل کلی را مقين تامل شده بود و بدست مجريان آن قانون داده بود و در اينصورت برای هر دو طرف راه رفع اشکال باز بود آنوقت اگر بر يك دهی تعمدي وارد ميشود ميتوانست بگويد اين دهم صد تومان مالبهات ندارد که يك سربراز بدهد يا اگر وزارت جنگ ميديد که صاحب فلان ده از دادن فلان عده سربراز تعاضی دارد ميتوانست بگويد برای هر صد تومان مالبهات بايد بکنم سربراز بدهی و اين ده نوسيد تومان مالبهات دارد و بايد سه نفر سربراز بدهی آنوقت اين تناسب مضبوط بماند و بهيچوجه قابل اختلاف نبود البته بايد تصديق بفرمائيد تا وقتيکه در ماده دوم يك همچو اصلي اتخاذ نشود و يك همچو باه در اين قانون معين نشود که قشون گيری بر روی آن بايه گذاشته شود آن اشکالی که آقای مؤيد الاسلام فرمودند بهيچوجه با اين ماده رفع نميشود بجهت اينکه وقتيکه اين ماده را شكايتيم می بينيم مطابق اين ماده بعد از گذشتن اين قانون همان عده قشونی که گرفته ميشود بايد از مجلهای قشون بده گرفته شود در شور اول انقلاب راه اصلاح مختصری نداشتارده شده بود و بوزارت جنگ اختيار داد، بود که در مواقعی که می بيند آبادی فلان قريه متناسبت با اين عده سربراز نيست خودش ميتواند وسيدگی بکند و با آن محل تخفيفاتی بدهد و از محل ديگر عوض بگيرد حالا در شور دوم اين ماده سخت تر شده است و گفته ايم حتماً همان مجلهها بايد آن سوار و سربراز را بدهند و تمام اين تعديلها و تعميلاتی که سابق ميشده است بايد بر قرار بماند تمام معافيتها بي جائیکه در سابق داده شده آنها هم در قانون تصويب شود و اگر يك کسی بوزارت جنگ اظهار کرد که من از هديه دادن فلان عده سربراز بر نيایم وزارت جنگ حق نداشته باشد آنرا معاف بدارد بلکه بايد لايحه بالابندی بمجلس پيشهاد کند که کلی آباد واقع در فلان جا پنج سربراز دارد و از هديه دادن

پيش از سه نفر سربراز بر نيایم آنوقت مجلس بوزارت جنگ اجازه بدهد که دو نفر سربراز را معاف کند پس از اين نقطه نظر بنده تصور ميکنم اگر ماده دو را بيك ترتيبی اصلاح بکنند و يك مدرک و مبنای کلی از برای قشون گيری قرار بدهند يعنی يا جنس يا نفع يا عده نفوس يا بيك چيز ديگر را مدرک قرار بدهند دو حسن پيدا ميکنند يك حسنش اين است که آن حسن ديگر هم که پيدا ميکنند اين است که در عمل مطابق پيشنهاد بیکه شاهزاده سليمان ميرزا فرمودند موقوف با زديد قشون خواهيم شد ولی اگر با اين ترتيب که در ماده دوم ذکر شده است اين قانون از مجلس بگذرد ديگر ما نمیتوانيم عده قشون خودمان را زياد کنيم بجهت اينکه قبل از اين قانون عده قشون هشتاد و سه هزار نفر بود وقتيکه موافق ماده ۲ تصديق کرديم که حتماً همان مجلهای قشون بده قشون بدهند ديگر از مجلهای ديگر نميشود قشون گرفت و فهرز از هشتاد و سه هزار نفر نمیتوان تجاوز کرد آنوقت اگر بجزئيات اين هشتاد و سه هزار نفر مراجعه کنيم می بينيم تقريباً دوازده هزار نفر آنها کسانی هستند که جز روی کاغذ وجود خارجی ندارند و اگر مطابق اين ماده تصور کنند صد هزار نفر قشون داريم در عمل ممکن نيست و در واقع هفتاد و دو هزار نفر بيشتر نخواهد بود پس از اين دو نقطه نظر که عرض کردم بايد اين ماده را طوری نوشت که هم آن تعديلات و معافيتهاي سابق رفع شود و هم اشکالی برای زياد کردن قشون نباشد مثلاً بگوئيم اساساً هر صد تومان مالبهات بده در مملکت بايد يك نفر سربراز بدهد آنوقت اين مسئله خيلي خوب صوميت پيدا ميکنند و وقتی حساب بکنيم می بينيم از هيچجهه ضروری يا بيست ضروری مالبهات تقدي که داريم فلان قدر سربراز داريم پس وقتيکه اين مسائل را در نظر بگيريم ماده دوم خيلي قابل دقت است و خوب است عرض اينکه موکول بچهای سابق بکنيم يك مبنای تازه اتخاذ کنيم که اين اشکالات وارد نباشد

چنگ داده شود و این اختیار گماگان برای وزارت چنگ باقی بماند بهتر است زیرا از نقطه نظر مالیاتی با این بی انتظامی امور مالی نمیشود قشون گیری نمود و مالیات را برای او مأخذ قرارداد این مسئله باید بطور خصوصی مابین وزارت چنگ و وزارت مالیه ختم شود .

حاج امام جمعه - بعضی از مطالبی که بنده میخواستم عرض کنم آقای سردار معظم فرمودند فقط یک چیز را میگویم که شما هم جا یک نظر تساهلی در کار هائی که میکنند دارید من نمی دانم امروز چرا این نظر دور افتاده یک اشخاص در زمان سابق مدتها مظلوم شدهاند حالا شما باینکه نمیتوانید رفع ظلم از آنها بکنید میگوئید باز هم امروز آنها مظلوم بمانند تا یک وقتی رفع ظلم از آن ها بشود ؟

این داعی ندارد دلیل ندارد در صورتیکه جاهلیت سالهای دراز بواسطه فشارها و بواسطه اینکه نمی توانستند اعتراض خودشان را بر سر کار بمانند مظلوم شده اند شما حالا میگوئید باید یک مدت دیگری مظلوم باشند تا تعدیل شود اما یک چیزی آقای مخبر فرمودند که گویا سه تفاهم شده است من نمیخواهم بگویم بنیچه سابق را تغییر بدهند میخواهم بنیچه سابق را در وزارت چنگ تعدیل بکنند باین معنی که از هر جا که موافق آن بنیچه باید قشون بدهند از آنجا قشون بگیرند و آنجاییکه نباید بگیرد پاره تحقیقات و ملاحظاتی که سابق بود آنرا در وزارت چنگ دور بیندازند برای اینکه نظر تساهلی را بنام ما امروز دور انداخت .

مخبر - آقای سردار معظم فرمودند خوبست یک نظر متناسبی در این امر گرفته شود و از قرار هر صد تومان مالیات یک سرباز بدهند بنده عرض میکنم اگر این طور باشد با آن نظر باینکه سابق داشته اند و مکرر توضیح داده اند مخالفت دارد چون بعضی از ولایات را محتاج سرباز دادن ندانسته اند مالیاتی را زیاده تر معین کرده اند و مالیات بعضی از ولایات سرحدی را خیلی کم و نا قابل گرفته اند و سربازش را زیاده تر معین کرده اند از ابتدا سرباز باین نظریات گرفته شده است و امروز ممکن نیست آنرا تغییر داد مگر اینکه یک تعدیل عمومی کلی در کابینه مملکت بعمل بیاید و یک مالیات معینی معلوم شود که تمام اهالی بیشمیزان مالیات بپردازند آنوقت این سرباز را هم از روی آن مالیات از مردم بگیرند والا گمان نمی کنم شکل دیگر عملی باشد مگر اینکه ما چندی ترتیبی باز گیری خودمان را بکنیم و بماند بقشون گیری را موقوف کنیم تا وقتی که مالیات با صورتی پیدا کنند آن وقت سرباز گرفته شود و اینکه فرمودند از برای یک علی آباد تنها نباید وزارت چنگ یک لایحه بالا بلندی بنویسد و مجلس تقدیم کند اینطور نیست و همانطوریکه عرض کردم وزارت چنگ یک صورت تعدیلی ولایت بولایت معین خواهد کرد و مجلس شورای ملی خواهد فرستاد که مثلا در ایالت آذربایجان کدام دهات هستند سرباز کم دارند وجه دهاتی هستند که میتوانند سرباز بدهند و این یک صورت عملی است و اینکه میفرمایند در اینجا هشتاد و سه هزار نفر معین شده است و نمیتوان بیشتر

از این قشون گرفت بنده عرض میکنم آن طرح قانونی که خودشان پیشنهاد کرده بودند قشون ایران را بیچاره وزارت معین کرده بودند و یک مقدار از بنیچه زمین میمانند معلوم نبود از کجا باید کم شود مثلا یک فوج هشتصد نفری را شصده نفر نوشته بودند و معلوم نبود این دویست نفری که باقی مانده است از کدام دهات و بیچه ترتیب کسر خواهد شد و این اسباب زحمت فوق العاده برای وزارت چنگ و اولیایه امور میشد و آنها اینکه سرباز بدهند مثلا آن کسیکه سرباز فوج قرانی را میداد وقتی میدید که دویست نفر از کلبه هزار نفر فوج کم شده است تمام سرباز بده ها در خیابان میافزادند که یک حصه از این دویست نفر را برده باشند و این یک زحمتی از برای دولت تولید میکرد لهذا دولت مجبور شد که ۸۳ هزار و کسری که همین بنیچه است قبول کند و بعد شروع کنند به تعدیلاتی که باید بشود اینها هم باید عرض کنم که بعد از گذشتن این قانون فوری هشتاد و سه هزار نفر هم کسر احضار خواهند شد و در تحت سلاح نخواهند آمد دسته دسته و قسمت قسمت از برای اینکار حاضر و مرتب میشوند هر قسمتی که حاضر شد البته رقم صواب میشود یعنی پیشنهاد های لازم از طرف وزارت چنگ خواهد شد و تعدیلی که باید بشود مجلس باید و بعد از قبول آقایان بوقوع اجرا گذاشته خواهد شد و یک مرتبه ۸۳ هزار نفر احضار نخواهند کرد اینکه آقای فرمودند تا بحال یک ظلمی میشد آیا باید حالا هم بشود ؟ بنده عرض میکنم اگر نظریات باشد پس باید امروز مالیات هم گرفته نشود بجهت اینکه همه تصدیق داریم و مکرر گفته شده است که مالیات از روی یک تناسب صحیحی است بعضی جاهها خراب است و مالیات زیاد میدهند بعضی جاهها آباد است و مالیاتش خیلی کم است پس باین جهت مالیات هم نباید گرفته شود تا تعدیل بعمل آید بنده عرض میکنم باید یک کاری کرد که عملی باشد و آن اینست که اینصورت حاضر را همین طور حفظ کرد و بعد از برای رفع نواقصش کوشید و الا اگر غیر از این باشد مابین زودیها قشون نخواهیم داشت

رئیس - آقای مخبر در این باب چه میفرمائید ؟

مخبر - بنده ترتیبش را قبلا عرض کردم و توضیحاتی را که باید بدهم دادم حالا بسته است به رأی مجلس .

رئیس - پس رأی میگیریم آقایانیکه اصلاح آقای سردار معظم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - این اصلاح در مورد کافی السابق از محله ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون میدادند گرفته میشود

سردار معظم - آقای مخبر در ضمن فرمایشات خودشان متعرض بسوابق شدند و مختصر تاریخی بیان فرمودند مطالبی که بنده در آن پیشنهاد خودم ذکر کرده بودم ترتیباتی بود که در زمان وزارت چنگ آقای مستوفی السیالک کمیسیون چنگ تصویب کرد حالا هم اگر وزارت چنگ بخواهد زحمتی بکشد و کلیه محلهای قشون بده را تعدیل کند و لایحه تعدیل را مجلس بفرستد باز ماده دوم که بنده پیشنهاد کرده ام جایگیری نخواهد کرد علاوه فراموش کردم عرض کنم که ماده دوم که در شور تانی در کمیسیون نوشته شده است با ماده دوم این لایحه مخالفت دارد بجهت اینکه در ماده دوم یک حکمی میکند که در ماده دوم ضده او را میکند در ماده ده می گویند (در صورت

خرابی و عدم اعتماد یکی از محلهای قشون بده که خرابی و عدم اعتماد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت چنگ می تواند محل من بود را از دادن کلیه یا قسمتی از عده بنیچه معاف نماید) پس ماده دوم یک ح تصرفی بوزارت چنگ میدهد منتها نظر وزارت مالیه را شرط میکند پس معلوم میشود که ماده دوم اصلا هیچ مربوط باین نیست که در جرح و تعدیل محلهای سرباز بده لایحه قانونی مجلس پیشنهاد شود یا وزارت چنگ اختیار داشته باشد یا نداشته باشد مقصود از ماده دوم هم فقط اینست که اساسا از چه محلهای باید سرباز گرفته شود مقصود این است که مادامیکه یک مبرزی و تعدیلی نشده و لایحه آنرا وزارت چنگ بفرستد این قشون را از کدام محلهای باید بگیرد ؟ اقلا یکسال طول میکشد که این لایحه را وزارت چنگ پیشنهاد کند بجهت اینکه این لایحه کار کوچکی نیست و باید وزارت چنگ دقت کند اخلاق و اصول و قرب و بعد محلهای در تمام مملکت با هم بسنجند و آن وقت قشونی را که لازم دارد بسنجند و متناسب آن را ملاحظه کنند و یک لایحه مشروخی بفرستند پیشنهاد کنند که بعد از آن محلهای سرباز گرفته شود ولی تا وقتی که آن لایحه پیشنهاد نشده است چه خواهد کرد؟ برای این مسئله در شور اول در کمیسیون نظام فقط اکتفا باین شد که اشاره شود از همان محلهایی که سابق قشون می داده اند قشون گرفته شود و از برای رفع اختلاف هم ماده دوم تکلیفی معین کرده است و همان ماده دوم با این ترتیبی که در این ماده دوم نوشته شده است اختلاف دارد پس در اینجا فقط باید اکتفا کرد باینکه نوشته شود افراد بیاده و -واره و نویچی از محلهایی که سابق قشون میدادند گرفته خواهد شد .

رئیس - آقای مخبر در این باب چه میفرمائید ؟

مخبر - بنده ترتیبش را قبلا عرض کردم و توضیحاتی را که باید بدهم دادم حالا بسته است به رأی مجلس .

رئیس - پس رأی میگیریم آقایانیکه اصلاح آقای سردار معظم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - این اصلاح در مورد کافی السابق از محلهای ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون میدادند گرفته میشود

سردار معظم - آقای مخبر در ضمن فرمایشات خودشان متعرض بسوابق شدند و مختصر تاریخی بیان فرمودند مطالبی که بنده در آن پیشنهاد خودم ذکر کرده بودم ترتیباتی بود که در زمان وزارت چنگ آقای مستوفی السیالک کمیسیون چنگ تصویب کرد حالا هم اگر وزارت چنگ بخواهد زحمتی بکشد و کلیه محلهای قشون بده را تعدیل کند و لایحه تعدیل را مجلس بفرستد باز ماده دوم که بنده پیشنهاد کرده ام جایگیری نخواهد کرد علاوه فراموش کردم عرض کنم که ماده دوم که در شور تانی در کمیسیون نوشته شده است با ماده دوم این لایحه مخالفت دارد بجهت اینکه در ماده دوم یک حکمی میکند که در ماده دوم ضده او را میکند در ماده ده می گویند (در صورت

سردار معظم - خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود از معافیت چه چیز است؟ چطور نظامنامه میتواند معاف بدارد بجهت اینکه معافیت نظامنامه شاید بطور دائمی باشد و حال آنکه بعضی موارد ممکن است این معافیت موقتی باشد .

معاون وزارت چنگ - در بعضی مواقع فوق العاده میشود که یک سواری اسبش تلف شده وزارت چنگ برای یک مدت معینی او را معاف میکند و این ترتیب در نظامنامه نوشته خواهد شد و الامین است همچنانکه از ایل سوار گرفته میشود اسب هم گرفته میشود چون در شور اول در این خصوص اعتراض شد بدین ترتیب اصلاح شد .

سردار معظم - پس خوبست یک طور دیگر نوشته شود یعنی باینطور (مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشون گیری آنها را معاف نماید) والا نظامنامه خودش نمی تواند آنها را معاف نماید .

نظام السیالک - بنده از آقای سردار معظم تمجیب میکنم که بکده قائل میشوند که وزارت چنگ اقتدر اختیار داشته باشد که بتواند بنیچه را تغییر بدهد و در یکجا معتقد نیستند که در موقعی که بکنند سواری اسب ندانند باشد یا کولوله خورده تلف شده باشد و آن سواری هم رشید باشد وزارت چنگ میتواند او را معاف کند گمان میکنم این مذاکره لازم نیست ولایه نظامنامه وزارت چنگ معین میکند که در چه مورد وزارت چنگ میتواند سواری را از دادن اسب معاف بدارد .

سردار معظم - بنده نمیدانم از این اصلاح عبارتی که بنده عرض کردم چه معنی آقای نظام السیالک عقاید بنده را استنباط فرمودند بنده عرض نکردم در این زمینه یک اختیاری بوزارت چنگ داده شود یا یک اختیاری از او گرفته شود فقط چیزیکه عرض کردم این است که این عبارت (نظامنامه معاف مینماید) سلیس نیست بنویسد (مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشون گیری آنها را معاف کند) بنده در اصل مطالب نه موافقت کردم نه مخالفت فقط یک اصلاح عبارتی بود که عرض کردم .

مخبر - چون اصلاح عبارتی است همین ندارد همینطور نوشته شود .

(ماده سوم مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد) ایلات و محلهای سوار بده کافی السابق مکلف بدادن اسب سوار میباشد مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشونی آنها را معاف نماید .

سردار معظم - قشون گیری باید نوشته شود .

مخبر - فرق نمیکند نظامنامه قشونی کلی است و تقسیم بشباتی میشود که یکی از آنها نظامنامه قشون گیری است بنده فرقی نمی بینم اگر هم میخوانند قشون گیری بنویسند ضرر ندارد .

(مجدداً ماده سوم با تبدیل فقط (قشونی) به (کلمه قشون گیری) قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم ماده سوم باین ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم قرائت میشود .

(بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۴ - کلیه عده نفرات قشون بنیچه معنی قلا هشتاد و سه هزار و هشتصد و نود و هفت نفر

خواهد بود .

آقای سید فاضل - بنده توضیح میخواهم موافق لایحه که کمیته این لایحه قشون کمیسیون ۸۲۸۹۷ نفر نوشته است و در این ۸۲۸۹۷ ذکر میکند میخواستیم بدانم این اختلاف را بکنجا تعدیل خواهند کرد .

مخبر - مطابق صورتیکه تقدیم آقایان شده است قشون ایران هشتاد و دو هزار هشتصد و نود و هفت نفر بود ولی موافق اطلاعاتیکه از وزارت چنگ رسیده در سنه ۱۳۳۱ والی فارس (مخبر - السیالک) پیشنهادی بهیئت دولت کرده است که از برای بعضی عمدیات و تنظیمات داخلی ایالت فارس مجبور هستیم یک فوج فارسی که مطلع باخلاق و عادات اهالی باشد داشته باشیم که بتوانیم از وجود آنها استفاده کنیم و پیشنهاد کرده اند هزار نفر سرباز بطور بنیچه از اطراف شیراز که دست رسی بشهر دانسته باشد گرفته شود همانوقت یک تقسیم بندی هم شده و بوزارت چنگ فرستاده شده وزارت چنگ و هیئت وزراء هم تصویب کرده اند و تقریباً یا نه چهارصد و کسری سرباز از اطراف شیراز و دهات فارس گرفته شده و ما باقی هم بعضی محلهای تقسیم ولی بعضی ترتیبات یعنی اتفاقات خارجی پیش آمده که نتوانسته اند موفق به تکمیل آن شوند حالا هم چون وزارت چنگ و کمیسیون نظام موجود این هزار نفر سرباز فارس را در آنجا لازم میدانست آن صورت را هم جزو عده بنیچه محسوب داشت که این بانصد نفر حاضر باشند و بانصد نفر دیگر هم تهیه کنند که بپردازد خدمات فارس بخورند و مثل سابق احتیاج نداشته باشند که باین زحمت حمل و نقل که امروز موجود است از آذربایجان یک فوج بیارند و برای یک خدمتی بفارس بفرستند و آنوقت با اختلاف آب و هوا اسباب زحمت و ناخوشی آنها شود البته اگر بومی باشند بهتر میتواند از عهده خدمات بر آید باین جهت این هزار نفر فارسی جزو بنیچه حساب شد و عده کل ۸۳۸۹۷ نفر شد .

رئیس - مقصود از اتفاقات خارجی اتفاقاتی است که خارج از عهده ایالت فارس بود .

سردار معظم - قبل از اینکه اظهار عقیده بکنم از آقای مخبر تقاضا میکنم باین سه فتره که عرض میکنم جواب بفرمایند تا بعد عقاید را عرض کنم اولاً در نظر دارم که در شور اول یک پیشنهادی شد که عده قشون صد هزار نفر باشد و یک اکثریت فریب به اتفاقی قابل توجه شد و بکمیسیون رفت آیا ممکن است توضیح بدهند چه طور شد که در کمیسیون نظام از این عده صد هزار نفر کاسته اند و هشتاد و سه هزار نفر نوشته اند دوم در صورتیکه فرض کنیم که تمام آن عده سابق یعنی ۸۲۸۹۷ نفر اضافه هزار نفر فارس گرفته شود آیا در آنجا بنیچه سرباز و موارد نویچی وجود خارجی ندارد و بکنی از میان رفته است و استطاعت آنکه دوباره قشون بدهد ندارد وزارت چنگ چه خواهد کرد آیا که روی آن عده را از محلهای دیگر خواهد گرفت یا اینکه باز هم بعد از گذشتن این قانون از مجلس عده قشون که خواهم داشت با عده که در روی کفند است فرق خواهند داشت مثلا دیگر آنکه چون این قانون بود چه نیست که اعداد جزء هم نوشته شود آیا سزاوارتر

خواهد بود .

نمی دانند که عوش ۸۳۸۹۷ نفر یک عدد معینی بنویسند که اعداد جزء در آن داخل نباشد خوبست این سه مسئله را توضیح بفرمایند تا بعد بنده اظهار عقیده بکنم .

مخبر - آقا سوال اولی آقای سردار معظم که میفرمایند صد هزار نفر پیشنهاد شد و یک اکثریت فریب به اتفاقی قابل توجه شد بنده نظرم نمی آید بجهت آنکه یک پیشنهادی از طرف آقای سید فاضل میرا شد و بنده بعد از آن توضیحاتی که دادم آن پیشنهاد را قبول کردم که بکمیسیون رجوع شود ولی رای گرفته نشد این جواب سوال اولی ایشان را در باب سوال نالیست چون این قانون عده بنیچه را معین میکند و صورت عده بنیچه که از وزیر چنگ داده نشده بود دانند این عده بود اگر میخواستیم از این عده کم بکنیم مورد حمله واقع میشدیم و اگر میخواستیم بیفزاییم محل نداشته و نمیدانستیم بر کجا بیفزاییم این بود مجبور بودیم همان عده را که وزارت چنگ از روی ثبت های قدیم پیشنهاد کرده آنرا تقدیم مجلس کنیم اما سؤال ایشان را که چه خواهد شد آنرا باید آقایان و اون وزارت چنگ از طرف وزارت چنگ جواب بدهند

معاون وزارت چنگ - در خصوص عده چنانچه آقای مخبر هم توضیح دادند و وزارت چنگ آنچه را که حقیقتاً میتوانسته است از محل بنیچه بگیرد همان عده هفتاد و پنج هزار نفری بود که در لایحه پیشنهادی خودش صورت داده بود و بعد که تقاضا شد ما صد هزار نفر باشد در وزارت چنگ هم رجوع کرد بدقت و هر چه در دفتر باسب قشون محلی منظور شده همین بوده است که نوشته شده است ولی عرض میکنم چنانچه نماینده محترم خراسان اظهار کردند و واقعا بعضی از این محل هائی یا است چنانچه مطابق یکی از مواد گفته ایم این کسر معجل از همان حوزه انتخاب شود اگر مجلس شورای ملی ۸۳ هزار نفر رای بدهد ناچار خواهیم بود که کسر معجل را از محل های خارج بگیریم ولی نظریات آقای وزیر چنگ و عقیده ایشان در همان هفتاد و پنج هزار نفر است که اول پیشنهاد شده بود

نمی دانند که عوش ۸۳۸۹۷ نفر یک عدد معینی بنویسند که اعداد جزء در آن داخل نباشد خوبست این سه مسئله را توضیح بفرمایند تا بعد بنده اظهار عقیده بکنم .

مخبر - آقا سوال اولی آقای سردار معظم که میفرمایند صد هزار نفر پیشنهاد شد و یک اکثریت فریب به اتفاقی قابل توجه شد بنده نظرم نمی آید بجهت آنکه یک پیشنهادی از طرف آقای سید فاضل میرا شد و بنده بعد از آن توضیحاتی که دادم آن پیشنهاد را قبول کردم که بکمیسیون رجوع شود ولی رای گرفته نشد این جواب سوال اولی ایشان را در باب سوال نالیست چون این قانون عده بنیچه را معین میکند و صورت عده بنیچه که از وزیر چنگ داده نشده بود دانند این عده بود اگر میخواستیم از این عده کم بکنیم مورد حمله واقع میشدیم و اگر میخواستیم بیفزاییم محل نداشته و نمیدانستیم بر کجا بیفزاییم این بود مجبور بودیم همان عده را که وزارت چنگ از روی ثبت های قدیم پیشنهاد کرده آنرا تقدیم مجلس کنیم اما سؤال ایشان را که چه خواهد شد آنرا باید آقایان و اون وزارت چنگ از طرف وزارت چنگ جواب بدهند

معاون وزارت چنگ - در خصوص عده چنانچه آقای مخبر هم توضیح دادند و وزارت چنگ آنچه را که حقیقتاً میتوانسته است از محل بنیچه بگیرد همان عده هفتاد و پنج هزار نفری بود که در لایحه پیشنهادی خودش صورت داده بود و بعد که تقاضا شد ما صد هزار نفر باشد در وزارت چنگ هم رجوع کرد بدقت و هر چه در دفتر باسب قشون محلی منظور شده همین بوده است که نوشته شده است ولی عرض میکنم چنانچه نماینده محترم خراسان اظهار کردند و واقعا بعضی از این محل هائی یا است چنانچه مطابق یکی از مواد گفته ایم این کسر معجل از همان حوزه انتخاب شود اگر مجلس شورای ملی ۸۳ هزار نفر رای بدهد ناچار خواهیم بود که کسر معجل را از محل های خارج بگیریم ولی نظریات آقای وزیر چنگ و عقیده ایشان در همان هفتاد و پنج هزار نفر است که اول پیشنهاد شده بود

پیشنهاد کرده اند ولی هزار نفر نه بوده و هشتصد نفر ده و از این هم بیشتر از چهار صد نفر نتوانستند حاضر کنند و گمان نمیکنم بیشتر از چهارصد نفر بتوان حاضر کرد برای اینکه مجلس کمیته تعیین کرده اند پیش از اینصند نفر کنجایش ندارد بجهت اینکه بنا بود این عده را املاک شهری بدهند و پیش از این نمی دهند حالاً اگر آقای مخبر اطلاع دیگری دارند و غیر از این است توضیح بدهند تا بنده قانع شوم

معاون وزارت جنگ - فارس قدیماً سه فوج داشته است یکی فوج حوالی شهر شیراز بوده است دو فوج هم متعلق بایلات قشقایی و عرب بوده این افواج بواسطه خلاف هائی که در قدیم مرتکب شده اند مورد غضب دولت شده و اخراج شده اند اخیراً فرمانفرمای فارس تقاضای سرباز محلی کرد تقاضایشان هم مشروح بوده بجهت اینکه اگر سرباز را از يك بلدی که اقلیتش با آنجا مناسب نبود میفرستادیم با اختلافاتی که بود چه واقف میشد و مشکلات مالیاتی که گاهی اتفاق می افتاد توانائی خدمت آن محل را نداشته باین جهت فرمانفرمای فارس لازم دانست يك عده سرباز محلی زیر دست خود داشته باشد و چنانچه آقای مخبر رایورت دادند این عده هزار نفر را از مالکین و اهالی فارس سند گرفت و صورت آنرا بوزارت جنگ فرستادند و دولت هم تصویب کرد از این عده چه ارصد و هفتاد نفر سر خدمت حاضر شده و خدمت هم کرده اند و باقی دیگر را با موقع نشده است تا به تفریق شده است دولت حاضر خدمت کند ولی مطابق تعهدات عمال محلی آنکسری تا هزار نفر را هر وقت دولت بخواهد میگیرد اما آن سوار باصری و قشقایی که میفرمایند آنها را در این چند ساله یا دولت بسر خدمت نخواست یا خوانین محلی از این معذب استفاده کرده اند بهر حال دولت آنها را داشته است و بعد از این هم خواهد گرفت اگر پنج شش سال احضار نکرده اند دلیل نمیشود که بعد هم نخواهند گرفت

داشته باشد از این نقطه نظر وزارت جنگ مجبور خواهد بود که داخل این عملیات تازه بشود در این صورت خوب بود آقای معاون وزارت جنگ که میفرمایند هفتاد و پنجاه هزار نفر از محلهای قدیم بگیرند عوض هشت هزار نفر دیگر که باید از محلهای تازه بگیرند بیست و پنجاه هزار نفر بگیرند که مجموع قشون ایران صد هزار نفر بشود و یک عده هم مثل هشتاد و سه هزار هشتصد و نود و هفت نفر در قانون نباشد بلی اگر داخل عملیات جدیدی نباشند و میگفتند تمام این صورتیکه ما نوشته ایم بسادار و منظم و مرتب است و وجود خارجی هم دارند آنوقت بنده هم قبول میکنم اما وقتی خود ایشان تصدیق میکنند که مازاد هفتاد و پنجاه هزار نفر را باید از محل های تازه بگیرند عده هشت هزار نفر ممکن است بیست و پنجاه هزار نفر بگیرند که صد هزار نفر قشون داشته باشیم

معاون وزارت جنگ - نماینده محترم خراسان را متذکر میکنم بنده کرانی که در جلسه قبل شد پیشنهاد وزارت جنگ همان هفتاد و پنج هزار نفر بود بجهت اینکه میدانست از محل های پیشه قدیم بیشتر از این عده را نمیتواند حاضر کند حالاً هم پیشنهاد وزارت جنگ همان عده است ولی چنانچه عرض شد مجلس شورای ملی نظر داشت که این عده در قدیم صد هزار نفر بود و باید بهمان صد هزار نفر مراجعه شود در قسمت جنگ هم ناچار شد صورت و ثبت دفتر را بمجلس شورای ملی بفرستد ولی مازاد هفتاد و پنجاه هزار نفر تا هشتاد و سه هزار نفر بعضی محل هاست که سرحدات خراسان و غیره فعلاً معلوم است و خیلی مشکل است بتوان از آن محل ها قشون گرفت و اگر هم علاوه از این عده می نوشتیم مورد اعتراض مجلس میشدیم که چرا زیاد تر از ماخذ پیشه نوشته ایم لهذا هر چه در دفتر بود نوشتیم حالاً هم بنده نظر آقای وزیر جنگ را اظهار میکنم که اگر همان ثبت دفتر قبلی همان جنگ مصمم خواهد شد که بانظر وزارت مالی داخل عملیات بشود و بآنها صورت صحیحی بدهد ولی اگر همان هفتاد و پنجاه هزار نفر که پیشنهادی وزارت جنگ و عده حقیقی و واقعی است مجلس شورای ملی تصویب کند هیچ اشکالی ندارد و مستقیماً داخل عملیات میشود

سلیمان میرزا - قبل از اینکه داخل اصل مطلب شوم سؤالی از آقای معاون دارم که آیا مسافرت هائی که صحبت میشود اگر برگشت کند بر این عده اضافه خواهد شد یا خیر؟ این مسئله را جواب بفرمایید تا بنده بنده عده را عرض کنم

معاون وزارت جنگ - معافیتهائی که داده شده است از ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه رشاید قبل از آن بوده و بموجب قوانین بوده است بنده هم معافیتهائی را که از پنجاه شصت سال قبل بموجب فرمان پادشاهی داده شده است چگونه میتوان امروز پس گرفت که صدای مردم بیرون نباید با این وصف آن عده هم علاج نمیکنند و از ماخذ صد هزار نفر باز کمتر است

سلیمان میرزا - بنده اولاً آقای معاون را متذکر میکنم که صدای اهالی مملکت مازاد برای

سربازی و فداکاری بپوشه بیرون نمی آید تمامشان فدا کار و جان نثار هستند و منتهای آرزوشان این است که داخل نظام و قشون بشوند صد هزار نفر که چیزی نیست مملکت ما باید ملبونها قشون داشته باشد اهالی مملکت ما کاملاً حاضر هستند و هر نوع مالیاتی وضع میکنیم بجان و دل میدهند و برای حفظ استقلال مملکتشان از جان و مال میگذرند و در نهایت افتخار حاضر هستند لباس سربازی بپوشند و جان نثاری میکنند و بعد از این تذکر عرض میفرمایم که آقای حاج امام جمعه فرمودند که خوبست مساوات را در نظر داشته باشیم البته بنده هم از قدیم طرفدار این عقیده بوده ام و امیدوارم در آتی هم باشم و در هر کاری که مساوات منظور شود البته نهایت عدل است و البته خیلی خوشوقت میشدم که در قانون نظام مساوات مطلق پیشنهاد میشد یعنی بسطاً آخری وزارت جنگ پیشنهاد میکرد که تمام افراد ایرانی مجبورند از فلان سن جزو قشون ایران مستخدم باشند و چند سال خدمت بکنند این منتهای آرزو و آمال بنده بود و آن روز حقیقتاً بهتر از روز این مملکت میدانستم حالاً که نخواستند این پیشنهاد را بکنند بنده هم از این مسئله میکندرم و با عقیده آقای حاج امام جمعه موافق هستم که نتیجه از روی مالیات باید پیشنهاد شود و معلوم باشد چه مقدار مالیات بده باید يك نفر سرباز بدهد و آنچه در قدیم بوده است همانطور برقرار باشد یعنی تمام معافان قشون هیچکس فرمان معافیت نداشته باشد و از این تاریخ فرمانش اعتبار نداشته باشد اینکه آقای معاون وزارت جنگ تمجب فرمودند که چطور میشود معافیتهائی را که در قدیم داده اند لئو کنیم ما از برای اصلاح همین کارها اینجا آمده ایم اگر تمام فرامین قدیم و کارهائی که میشد صحیح بود ما انتخاب نمی شدیم و حق داریم آنچه شده است مطابق مقتضیات امروز اصلاح کنیم حتی قوانینی را هم که خودمان وضع میکنیم بعد از يك دوره عملیات و تجربیات میتوانیم اصلاح کنیم پس عقیده و مجبور نیستیم فرمانی که آنوقت داده شده در صورتیکه میدانیم ترتیب گرفتن فرمان چطور بوده و چه اشخاصی فرمان گرفته اند و این بجا بود بدستی بجائی نمی رسد باید با آن تخفیف نمیدادند و مجبور بود ده خودش را منتقل کند و از گرسنگی نمرد ولی بالعکس آن خوشبختی که دسترس مقامات عالیه داشت با يك مختصر اقدامی همانطور که تخفیف از مالیات میگرفت از تمام تکالیف جنت مکان میشد نه مالیات میدادند سرباز میدادند سواری داد و همیشه يك صندوق منازعه بود که مایل بودند دیگران زحمت بکشند و آنها صرف خود کنند و با نهایت بزرگواری و بی اعتنائی بر مردم نگاه کنند پس بنا بر این بنده کاملاً طرفدار این مسئله هستم که يك ماده در اینجا پیشنهاد شود و کاملاً با عقیده آقای حاج امام جمعه موافقم که تمام معافان لئو شود این مطلب يك چیز تازه ای هم نیست مثل اینکه در قوی قبل مجلس شورایی تمام تخفیفات و تسهیلات را لئو کرد آنها هم مثل این معافیتهای سرباز گیری فرمان داشتند ما هم در اینجا میتوانیم تمام تخفیفات و معافیتهای سرباز گیری را از این ساعت لئو میکنیم و قتیکه لئو کردیم باز بالنسبه يك مساواتی در سرباز گیری بعمل میاید یعنی مطابق آن نتیجه قدیم بدون ملاحظه فقیر و غنی همه کس

سرباز خواهد داد چون در قدیم این مسئله برای تصرف املاک مردمان بی دست و پایک ترتیبی بوده یعنی سرباز را از محلی بجز دیگر نفل میکردند خودشان را معاف میکردند برای اینکه آن مالک بدبخت از قشون سرباز دادن مجبور شود و از ملکش صرف نظر کند و ملکش را بیک نفر بانفوذ و اقتدار او گذارد کند که باز دست او بمقامات عالیه برسد و يك تخفیف تازه بگیرد پس آن فرمانها که بطور قطع نمانش بوقوع گرفته نشده و دولتش بهمین ترتیب گرفته شده باید تمام لئو باشد و قتیکه آنها را لئو کردیم آنوقت گمان میکنم عده قشون از صد هزار نفر هم تجاوز نکند و محلی پیدا شود که لااقل ما يك عده معین صد هزار نفری قشون داشته باشیم

مخبر - بنده فرمایش آقای سلیمان میرزا را تأیید میکنم که بیشتر این معافانها که تا بحال داده شده است متعلق باغیاب بوده است و کسانی که نتوانسته اند دستی بدر یاد داشته باشند این تخفیفات را گرفته اند و فقراء یعنی مالکین جزء همیشه سربازهای خودشان را داده اند ولی اینکه فرمودند آقای معاون وزارت جنگ تعاضی از لئو شدن فرمانهای معافیت دارند البته بلا حلقه جنبه سربازی حق دارند تعاضی داشته باشند بنده گمان میکنم اگر مجلس باین ترتیب رأی بدهد یکی از بهترین رایها خواهد بود که هم بر عده قشون افزوده میشود و هم تا اندازه تساوی بعمل خواهد آمد

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد

سردار معظم - سؤالی دارم

رئیس - اگر پیشنهادی دارید بعد از تنفس پیشنهاد خواهید کرد

(در اینوقت تنفس شده و پس از ۱۵ دقیقه)

رئیس - آقای سردار معظم سؤالی داشتید؟

سردار معظم - درباره آن پیشنهادها بیکه شده است در موقع توضیح دادن عرض خودم را خواهم کرد

رئیس - پیشنهادی آقای سلیمان میرزا سردار معظم و حاج عزالمالک کرده اند قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - کلیه عده نفرات قشون پیشه محلی فعلاً صد هزار نفر خواهد بود باین ترتیب که پس از تعیین عده پادار محلهای قشون بده حاله محل کسر صد هزار نفر را از نقاط آباد دیگر معین نموده و بموجب لایحه مخصوص بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود

رئیس - آقای سلیمان میرزا توضیحی دارید بفرمایید

سلیمان میرزا - توضیح پیشنهادیکه بنده و آقای سردار معظم حاج عزالمالک کرده ایم مذکرانی است که در حقیقت قبل از این پیشنهاد در مجلس شده است مقصود این است که دولت ایران فعلاً صد هزار نفر قشون که در نتیجه وزارت جنگ پیشینی شده است داشته باشد خیلی مطابق صورت پیشه آن محل هائی که پادار نیستند خارج میکنند و بقیه را که پادارند جمع آوری نمیکند اگر يك محلهائی شود که میتوانیم تمام تخفیفات و معافیتهای سرباز گیری را از این ساعت لئو میکنیم و قتیکه لئو کردیم باز بالنسبه يك مساواتی در سرباز گیری بعمل میاید یعنی مطابق آن نتیجه قدیم بدون ملاحظه فقیر و غنی همه کس شد برای کسری عده تا صد هزار نفر وزارت جنگ

برای مهاجرتیکه سرباز نمیدهند باید ترتیبی بدهد و ولایحه آنرا بمجلس شورایی پیشنهاد کند که پس از تصویب مجلس از آن فرارسر باز گرفته شود و عده قشون فعلاً صد هزار نفر برقرار شود

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

رئیس - مجدداً قرائت میشود و رأی بگیریم

(بعضون سابق قرائت شد)

رئیس - رأی میکنیم در این اصلاحی که آقای مخبر فرمودند و در واقع ماده چهارم است آقایان بیکه تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده الحاقیه هم بعد از این ماده پیشنهاد شده است و ماده پنجم میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

این بنده گمان ماده واحده ذیل را پیشنهاد میکنم این محل هائی که مطابق قوانین و احکام از دادن نفقات قشون معاف شده اند در صورتیکه مطابق ماده دهم معافیت آنها تصدیق نشود از معافیت محروم و مکلف بدادن قشون خواهند بود

سردار معظم - سلیمان میرزا - حاج عزالمالک

مخبر - این را هم قبول میکنم

رئیس - پس توضیح ندارد رأی میکنیم

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض دارم

رئیس - بفرماید

حاج شیخ اسدالله - بنده باینرکشت این تخفیفات که در زمان سابق گرفته اند هم عقیده هستم ولیکن تخفیفات چند قسم است که باید اینجا توضیح داده شود که بعدها اسباب زحمت فراهم نشود يك نوع از تخفیفات این است که بیکه می ملاه نفر سرباز داشته است پنج نفر آنرا تخفیف گرفته اند این يك قسم از تخفیف است که بواسطه بعضی خصوصیتها که در کار بوده است غالباً این نوع استفاده را هم میکردند و اکنون از تخفیف ها هم همینطور بوده است کاین تخفیف را که از این محل میگرفتند تحصیل بعمل دیگر میکردند مثلاً در يك حوزه که باید هزار سرباز بدهد از يك دهی ده نفر سرباز تخفیف گرفته میشد و این تخفیف سرشکن بدست و جاهای دیگر میشد حالا باید اینجا توضیح داده شود و در این ماده نوشته شود که آن تعمیلی که بر محلهای دیگر بلا حلقه این تخفیف شده است بر میگردد و بحالت اولیه خواهد آمد که آن نظر مساوات و عدالت قانونی ملحوظ شده باشد این يك نظر دیگر این است که تخفیفاتی که گرفته شده است بعضی از آنها مطابق يك قرارداد دولت بوده است مثلاً يك فوج کلیبایک آنرا دولت بکلی تخفیف داده و بخشیده است اما چطور تخفیف داده باینطور تخفیف داده است که اهالی پادول يك مذاکره کرده اند و يك اضافه مالیاتی بر آنها تحمیل شده است یعنی خانواری محلی سرباز را اضافه بر مالیات کرده و تخفیف داده اند و بواسطه این تخفیفی که بآنها داده شده است يك اضافاتی بر آنها تحمیل شده است حالا اگر بخواهند این تخفیف را برگردانند و آن مالیات بجای خودش بماند تصور میکنم آن محل کنجایش این تخفیف را نداشته باشد باید در این ماده تصریح شود که آن مالیات بحالت اولیه خودش برگردد و این

تحمیل ثانی بر آنها نشود قبول دارم تخفیف را برگردانند ولی آنچه بیکه بواسطه این تخفیف بر آنها تحمیل شده است افلا باید آنها هم برگردد که دو تحصیل بر مردم نشود باید در این ماده این چیزها درست شرح داده شود که اسباب زحمت برای مردم فراهم نیاید و متصل اسباب شکایت و بعضی ترتیبات فراهم شود

سردار معظم - بنده تصور میکنم بر این پیشنهادی که از طرف بنده و آقایان شده است اشکالات آقای حاج شیخ اسدالله وارد نیست بجهت اینکه ما هیچ داخل نشده ایم که بچه شقوق و بچه نعلو يك تخفیفی را گرفته اند اینجا فقط حکم میکنند تخفیفاتی که تا بحال بر حسب احکام و قوانین بوده است چون آن قوانین معتبر نبوده است آنها برگردد در بعضی موارد هم محلهائی هست که حقیقتاً تخفیفات باجائی دارند برای آنها يك راه حلی در ماده دهم پیش بینی شده است پس وقتیکه این نظر را اتخاذ کردیم دیگر این اشکال باقی نمی ماند و اینکه فرمودند بعضی نقاط را از دادن سرباز معاف کرده اند و بعد تحصیل و سرشکن سایر نقاط کرده اند و باید در این ماده قید شود که آن تحصیل برگردد بنده تصور میکنم هیچ لازم نیست این قید بشود بجهت اینکه ما داریم بیست و پنج شش هزار نفر تقریباً اضافه می کنیم و سعی می کنیم محلهای تازه برای گرفتن بیست و پنج هزار نفر پیدا کنیم پس بنا بر این مقتضی خواهد بود که يك عده که تا اکنون سرباز مرده اند آنها را معاف داریم و دیگر اینکه فرمودند اگر عده سربازی که تخفیف گرفته اند آنوقت بعضی محلهای استطاعت دادن مالیات و سرباز را نخواهند داشت ما هم بهمین ملاحظه گفتیم که آن محل بوزارت جنگ و وزارت مالیه مراجعه کند آنها هم تحقیق خواهند کرد اگر استطاعت دادن مالیات و سرباز را دارد هم مالیاتش را خواهند گرفت و هم سربازش را و اگر استطاعت ندارد همانطوریکه سابقاً تخفیف داشته اند حالا هم بآنها تخفیف داده خواهد شد ما که از این مطلب جلوگیری نکرده ایم و راه او را مسدود نکرده ایم فقط در تخفیف دادن يك شقی اتخاذ کرده ایم و گفته ایم هم با نظر وزارت مالیه باشد هم با نظر وزارت جنگ نظر وزارت مالیه از نقطه نظر مالیاتی و نقطه نظر وزارت جنگ از نقطه نظر قشونی باید در کار باشد و مطابق نظر این دو وزارت شأنه تخفیف داده میشود آنوقت اگر وقت کردند و استحقاق يك محلی را که حقیقتاً لئو دادن سرباز را نخواهد داشت تصدیق کردند البته معاف خواهد بود در اینصورت نمیدانم اشکال آقایان چیست

حاج شیخ اسدالله - بنده عقیده ام اینست که طرز سرباز گیری بطور عمومی اجباری باشد که کاملاً تمام افراد مردم در تحت نظام باشند ولیکن در این موقع که قشون گیری بطرز اجباری خصوصی است هیچ تصدیق نمیکند بی ترتیب باشد یعنی از روی يك نظر تساوی و عدالت نباشد اینکه در اینجا پیشنهاد شده است تخفیفات برگردد برای چه چیز است؟ برای اینست که نظر عدالت و مساوات در او ملحوظ داشت و بدون استحقاق يك محلی را تخفیف داده اند و حال آنکه آن تخفیف مناسب آن محل نبوده اگر نظر را دارند باید آن تعمیلی هم

که بربك معلى كه گنجایش دادن سرباز را ندارد شده است باید برگردد و نظر عدالت و مساوات در آن جامه ملحوظ شود چه طور شده است كه تخفیفی كه داده شده است برگردد ؟ اما آن تخفیفی كه بر يك معلى ضعیف بی بانی شده و آن معلى بواسطه همین تخفیل بلكی خراب شده است آن نظر عدالت و مساوات را در آنجا ملحوظ نكنیم و بگوئیم چشمتان كور شود سرباز خودشانرا اگر چه ضعیف هم هستند بدهند پس آن تخفیل بی موقی هم كه در زمان استبداد بر يك معلى ضعیفی شده است باید برگردند اینكه گفته شود آن بیچاره كه میداده است حالا هم بدهد بلى میداده اما چه قسم میداده با كمال سختی كه بهمین جهت دهش ویران و خراب شده است و آن بیچاره بك زحمت و مشقاتی را متحمل میشده است تا آن سرباز را حاضر كند پس همچنانكه این سربازی را كه تخفیف گرفته اند بر میگردد همین قسم سربازی هم كه تخفیل بر معلهای غیر لایق میشده آنها هم باید برگشت كنند ولی نكته اساسی در خصوص آن تحقیقاتی است كه با دولت مطابق يك قراردادى داده شده است مرض كردم اگر بهمین حال بگذاریم و بگوئیم تخفیف يك فوجی را كه بمحل کلیانگان دادند برگردد و تمام آن فوج گرفته شود آنوقت در موقع شكایت بوزارت جنگ و وزارت مالى رسیدگی بكنند اگر آن معلى گنجایش دادن آن اضافه مالیات را نداشت آنها تخفیف داده خواهد شد اینطور نیست اگر اینطور باشد باید يك قانون مبنی مینویسد و در تمام مملكت مبنی مالیاتی بشود و تعدیل مالیات بشود كه همه یكسان باشند اگر اینطور شد بنده عرض ندارم اما این تخفیلی كه بر این معلى مخصوص شده است در مقابل يك فوج سرباز بوده است و حالا كه میخواهند بروند این سرباز را با يك مخارج فوق العاده بگیرند دیگر سزاوار نیست آن تخفیلی كه سابق بر آنها شده است بعال خودش باقی باشد و بگوئیم بوزارت جنگ و وزارت مالى رجوع كنند و ببینند آنها تصدیق میکنند برگشت كند یا خیر ؟ این خیلی مشكل است هم اسباب يك زحمت فوق العاده برای مردم فراهم خواهد شد و هم باعث این خواهد شد كه نه میتوانند آن مالیات را وصول كنند و نه آن سرباز را بتوانند بگیرند پس باید يك طرز عدلی باشد كه مردم هم آسوده باشند .

حاج عزالممالك - بنده كه این پیشنهاد را امضاء كردم مقصود قسمت اول بود یعنی افواجی كه تا بحال سرباز نینداده اند و رو اسای آنها بموجب فرمان یا بموجب احكام در وزارت جنگ یا بواسطه احكام شخصی خود شان يك دهی را از دادن سرباز معاف میگردند و این مسئله باعث است آن تخفیفاتی باید برگردد یعنی يك دهی كه بموجب فرمان یا حكم یا خبر دیگر از دادن يك دهه سرباز تخفیف داشته است حالا بدانند كه آن تخفیف در كار نیست و باید كاملا سرباز خود را بدهد مثلا فوج ملایر كه سابقاً تخفیف میگرفت حالا باید كاملا سر خدمت حاضر باشد و آن دهه سربازی كه در دهات معمول بوده است همان دهات باید بتمام سرباز خودشانرا بدهند آنوقت وزارت جنگ وزارت مالى دقت میکنند

اگر دیدند فلان معلى قابل تخفیف است مجدداً تخفیف میدهند و گمان میکنم مجلس شورای ملی هم موافق باشد كه آن معلى هائی كه تا كتون سرباز میدادند حالا هم سرباز خودشانرا بدهند اما اگر اساساً بموجب يك قراردادى دولت يك معلى را از دادن سرباز معاف کرده این ماده برای این مقصود كافی نیست كه ما اجازه بدهیم وزارت جنگ يك فوج جدیدی بگیرد و بطوریکه ماده چهارم تصریح کرده دهه قشون صد هزار نفر خواهد بود وزارت جنگ بقیه را معمول خواهد داشت و از معلى با دار سرباز خواهد گرفت و آنچه كه معلى بدهد از آن معلهائی كه تخفیف بی جا گرفته اند خواهد گرفت و الا اگر بنا شود فوج جدید گرفته شود البته گرفتن يك فوج یعنی تخفیل اساسی يك فوج يك معلى يك چیزی نیست كه بشود شخصاً بوزارت جنگ اختیار داد بنده با این نظری عرض كردم پیشنهاد كردم حالا اگر آقای مغربو معاون وسایر آقایان موافقت با این نظر خواهند داشت بنده به پیشنهاد خود باقی خواهم بود و الا امضای خود را پس میگیرم .

مخبر - این جا دو مسئله مختلف بود كه لازم بود يك قدری توضیح داده شود و آن این بود كه بعضی قوانینی تخفیف داده شده است یعنی بعضی دهات را از دادن سرباز معاف كرده ولی از قراریکه معاون وزارت جنگ میگویند این مسئله تا بحال نظری نداشته است یعنی سربازی را كه معاف کرده اند تا كتون از دهه دیگر هوضی گرفته نشده است و بهمان ترتیب باقی مانده است یعنی كسر معلى داشته است و اما در اینكه افواجی كه تا بحال در این سنوات اخیر بقبلا معاف شده اند بنده گمان میکنم آن يك نظر كمالی لازم دارد و بلكه مدافه از طرف وزارت جنگ و وزارت مالى باید بشود كه آیا دوباره از آنها سرباز گرفته شود یا خیر ؟ تصور میکنم از نقطه نظر افراد این پیشنهاد شده است یعنی قسمت های كوچكى كه در هر فوجی معاف شده است دوباره برگردد و الا اگر مقصود غیر از این باشد بنده هم يك قدری تأمل دارم .

رئیس - چون آقای مخبر هم ملاحظاتی دارند و این قانون هم امروز ختم نخواهد شد اگر صلاح میدانند پانزدهم برای جلسه بعد كه در كمیسیون هم نظری بشود و پیشنهاد شود چند نفره پیشنهاد دیگر هم راجع بواء دیگر رسیده است بكمیسیون راجع میشود اسامی آقایانی هم كه از عضویت كمیسیونها استعفا دادند در خارج مجلس اعلان شده است آقایان وقتی تشریف میبرند رای خودشان را بدهند .

ارباب كیخسرو - بموجب اصل بیست و چهارم قانون اساسی و معمول سابق بتمام مستخدمین خارجه كه سمت استخدام دارند و باید ككثرات شوند ككثرات باید بمجلس بیاید و مجلس ككثرات آنها را تصویب كند این دوره از ابتدای مجلس تا حال هیچ ككثراتی بمجلس نیامده است بملاوه يك دهه هم هستند كه بی ككثرات هستند بنده تقاضا میکنم از هیئت دولت جداً خواسته بشود صورت اسامی تمام مستخدمین خارجه را هم از اینكه مرود ككثراتشان منقضی شده باشد یا نشده باشد و با ككثرات نداشته اند تمام

را بشر - و تفصیل حاجلا بكمیسیون بوده بفرستند كه كمیسیون در آنها نظری بكنند زیرا همین مسئله كمیسیون بوده را بشكلات انداخته است مثلاً ما وقتی بودجه وزارت خارجه باید بودجه دیگری كه بمجلس بیاید ككوشش میکنم كه ه تومان از حقوق يك مستخدم بیست ساله كسر شود ولی خبر نداریم از اشخاص دیگر كه چه حقوق های گزافی میبرند آنوقت مداز چندى هم نتیجه گرفته میشود این است كه میگویند صورت حساب كم شده است استاد مقفود شده است چیزی كه بیشتر بنده را بهجان آورده است این است كه همین امروز مسو برنارد كلفنى یادآور مباشرت مجلس نوشته است كه اسناد صورت حساب سه او ذیل هیچ نیست خواهش دارم شما مكرر صورت حساب خودتان را بفرستید بنده از این مسئله بغیال افتاده ام كه دور نیست خیلی از جوره بصرف برسد و آخر كار يك همچو جوابی بشنوم كه صورت حساب نیست بملاوه این بودجه هائی كه بمجلس بیاید دو قسم است يكی بودجه های جزء است كه بمجلس آمده است و يكی بودجه های كلسی است كه دارای خرجهای زیاد است و بمجلس نیامده است مثلاً بودجه وزارت مالى است بودجه وزارت داخله است بودجه وزارت جنگ است كه همه خرجهای كلی است و با وجود اینكه در این سنوات اخیر قشون نداشته ایم پنج شش كروى خرج شده است حالا خرج كجا شده است ؟ معلوم نیست اولاً اگر بودجه هارا بیاورند ما میدانم چقدر سرباز داریم و از كدام معلى گرفته شده است و این پولهاى كه از مردم گرفته میشود چه میشود وقتی كه ما معلى خرج و جمع را بدانیم البته بهتر میتوانیم بودجه ها را در كمیسیون بودجه تصویب یارو كنیم بملاوه عقب افتادن بعضی بودجه ها باعث این ترتیبیها میاید و زرائی كه بودجه مربوط بوزارتخانه آنها است توقع دارند كه اجراء و مستخدمین آن اداره تا حال هر چه گرفته اند گذشته باشد بمذازین هر قسم تصویب میکنند رفتار شود در صورتی كه بودجه از اول سال تصویب میشود و با این ترتیب هر قدر بیشتر طول بکشد ضرر دولت بیشتر می شود بنابراین تقاضا دارم آن هیئتی كه برای مطالبه بقیه بودجهها معین شده است اقدامات خودشانرا برای آوردن بودجه ها تكمیل كنند يك مسئله دیگر هم هست و آن این است كه باز اصل ۲۴ قانون اساسی میگوید انحصارات هم باید بمجلس بیاید و از قرار معلوم بعضی انحصارات تجارتي هم داده شده است این را هم تقاضا میکنم در ضمن آنچه برای ككثرات دولت نوشته می شود این مسئله هم یاد آوری شود كه بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی باید بمجلس بیاید .

رئیس - در باب بودجه ها آقایان مسبق هستند كه تمام بودجه ها بمجلس آمده است بودجه متعلق بوزارت جنگ هم فرستاده شده فقط چیزی كه مانده است بودجه وزارت مالى و وزارت داخله است بودجه وزارت مالى را از قراریکه گفتند اینكه قدری تأخیر شده است برای این است كه قانونی كه در مجلس رای داده شده است باید نظامنامه اش نوشته شود كه بتوانند آن قانون را اجرا كنند و بعد بودجه اش را خواهند فرستاد اما راجع بوزارت

داخله همانطوریکه اظهار شد تأکید می شود كه زودتر بفرستند راجع بكثرات ها هم همانطور است كه میفرمائید خیلی از ككثراتها تجدید شده است همینطور كه فرمودند نوشته می شود تأکید می شود آن ككثراتهای كه تجدید شده است بفرستند و بعدها هم بدانند ككثرات بدون تصویب مجلس نباید تجدید شود دو فقره رابورت شعبه راجع باهتیار نامه آقای رفعت الدوله و حسینعلی خان نواب هست میفرمائید در این مجلس را بهمین یا بماند برای جلسه بعد (گفته شد برای جلسه آتی بماند بهتر است)

رئیس - پس در جلسه آتی به جز دستور خواهد بود جلسه روز سه شنبه ۳ ساعت قبل از غروب و دستور آن شور در بقیه قانون قشون گیری واخذ رای در اهتیار نامه ها است بكنفر از آقایان منشی ها هم كه آقای صدر الملك هستند استعفا دادند در جلسه روز سه شنبه هوض ایشان هم باید انتخاب شود - در این موقع برای نظارت در استخراج آراء انتخاب كسر امضاء كمیسیونها آقایان حاج معین - النجار مشار الدوله و حاج شیخ محمد حسین امیر آبادی بحكم قرعه معین شدند .

جلسه ۷۶
صورت مشروح مجلس روز سه شنبه شانزدهم شهر ذی حجه ۱۳۲۴
مجلس تقریباً يك ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای طباطبائی نایب رئیس تشكيل و صورت مجلس روز يكشنبه چهاردهم قرائت گردید .

قائین با اجازه آقایان ادیب السلطنه - آقاسید محموضا مساوات سردار معتمد

قائین بدون اجازه آقایان حاج سید اسدالله مجتهد قزوینی - ملك الشعراء - شریعتدار - نجفعلی میرزا - محمد هاشم میرزا

مرضی - آقایان آقا شیخ رضا دهغورفانی - میرزا الملك - میرزا قاسمخان .

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست .

سلیمان میرزا - گمان میکنم معاون وزارت جنگ قبل از اظهارات بنده فرمودند فرمانهای دولتی ممكن التعمیر نیست در صورتجلسه اختیاب شده و اظهار آقای معاون را بعد از اظهارات بنده نوشته اند .

نایب رئیس - همینطور اصلاح خواهد شد دیگر نظریاتی هست .

حاج امام جمعه - يك جمله از اظهارات بنده را نوشته اند و يك جمله را نوشته اند بنده اظهار كسردم بعضی جاها بی موقع معافیت داده اند و در بعضی جاها تخفیلات فوق العاده كرده اند این جمله را نوشته اند ولی جمله دیگری را كه عرض كردم باید اختیار بوزارت جنگ داده شود اینها را اصلاح نماید نوشته اند .

نایب رئیس - این هم اصلاح خواهد شد .

ارباب كیخسرو - در خصوص ككثراتهای مستخدمین خارجه بنده عرض كردم ام از اینكه

موقع آنها منقضی شده باشد یا نشده باشد مستخدمین كه هیچ ككثرات ندارند در صورتجلسه از مستخدمین كه هیچ ككثرات ندارند ذكری نكرده اند

نایب رئیس - نوشته خواهد شد دیگر اعتراض در صورتجلسه نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز یکی رسیدگی باهتیار نامه آقایان حسینعلیخان نواب و رفعت الدوله است اول شروع میکنیم بمذاکره در باب اهتیار نامه آقای حسینعلیخان نواب .

آقای ناصر الاسلام مخبر شعبه سیم رابورت آن شعبه را بمضمون ذیل قرائت نمودند .

بتاریخ چهاردهم شهر ذی حجه ۱۳۲۳ شعبه سیم متعقد و شروع برسیدگی اعتبار نامه آقای حسینعلیخان نواب نموده اهتیار نامه و صورت مجلس انجمن نظار مرکزی طهران قرائت شد چون انتخاب ایشان مطابق با مواد قانونی بوده و هیچوجه شكایتی راجع بچیران انتخاب نرسیده بود لهذا شعبه نمایندگی ایشانرا از طرف اهالی طهران و توابع كه با كثریت ۳۶۸۹ رای از ۱۴۱۸۷ نفر رای دهندگان انتخاب شده اند تصدیق مینماید .

نایب رئیس - با انتخاب آقای حسینعلیخان نواب مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیریم در اهتیار نامه آقای حسینعلیخان نواب قیام فرمائید .

نایب رئیس - با انتخاب آقای حسینعلیخان نواب مخالفی نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیریم در اهتیار نامه آقای حسینعلیخان نواب قیام فرمائید .

(عده كثری قیام نمودند)

در تاریخ يكشنبه چهاردهم شهر ذی حجه ۱۳۲۳ شعبه چهارم در تحت ریاست آقای مومن الملك منعقد و در خصوص اهتیار نامه آقای رفعت الدوله نماینده جیرفت رسیدگی بعمل آمد و صورت مجلس شروع راجع بانخابات آن معلى و مجال جزء نیز ملاحظه شد فقط سه مسئله طرف ملاحظه شعبه واقع گردید اولاً راجع بمذت اعلان قبل از انتخاب كه مطابق ماده (۲۱) قانون انتخابات بایستی بنا با همیت معلى از ده روز الی يكماه بشود و در انتخابات جیرفت این نكته كاملاً رعایت نشده ولی نظر باینكه در ایام تفرقه دادن قائل بانستاد شده اند و همچنین در موقع گذشتن بعضی از اهتیار نامه ها سابقه پیدا کرده است قابل توجه نشد تا نایب راجع بآراء باطله كه مطابق ماده ۳۴ قانون انتخابات باید ضمیمه صورت مجلس باشد اگر چه آراء مزبور ضمیمه صورت مجلس انتخابات معلى مزبور نیست ولی بدو ذیل این تقاضا را هم شعبه قابل توجه ندانست اولاً در انتخابات بعضی از نقاط دیگر سابقه داشت و دیگر اینکه اگر عده آراء باطله را كه در صورت مجلس ذكر شده است و بیش از چهار ورقه نبوده از آراء آقای رفعت الدوله كسر شود باز اكثريت با ایشان است ثالثاً راجع بمذم اعلان در رودبار و هم تشكيل انجمن در اسفندقه كه مطابق جدول منظم بقانون انتخابات این دو معلى نیز حق انتخاب را دارند و بایستی اعلان بشود و

نشده است و تون الواظین كه از طرف ایالت مامور صحت جریان انتخابات بوده صریحاً تصدیق نموده است كه مدت دوازده روز در رودبار رفته و امر انتخابات را گوشزد اهالی کرده است ولی اهالی مایل بشرکت در انتخابات نشده اند بنابراین اشكال هم مورد توجه نشد در باب عدم تشكيل انجمن نظار در اسفندقه بنا بتصفی كه شده است چون اهالی معلى مزبور آنوقت را در جیرفت معلى قشلاق خودشان بوده اند همانجا شركت در انتخابات نموده اند لهذا شعبه چهارم صحت نمایندگی آقای رفعت الدوله را كه با كثریت ۱۱۷۳ رای از ۱۳۹۷ نفر رای دهندگان انتخاب شده اند تصدیق مینماید

نایب رئیس - با انتخاب آقای رفعت الدوله مخالفی هست اظهاری نشد مخالفی نیست رای میگیریم آقایانی كه با انتخاب آقای رفعت الدوله موافقت قیام نمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - شروع میکنیم بانخابات بكنفر منشی بجای آقای صدر الملك در این موقع اخذ آراء شد و آقایان ممثل الدوله و سلیمان میرزا طاهر تنكابنی بحكم قرعه برای استخراج آراء معین و به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد .

عده رای دهندگان ۶۱ نفر مهر تفهیمه ۶۱ عدد .

آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای آقای نظام السلطان ۲۸ رای آقای آصف الممالك بك رای - آقای ادیب السلطنه بكرای ورقه سفید حلامت امتناع ۲ عدد .

نایب رئیس - چون اكثريت نامه حاصل نشد باید تجدید انتخاب شود .

سردار معظم - عده آراء چقدر است

نایب رئیس - عده رای دهندگان ۶۱ نفر است آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای دارند آقای نظام السلطان ۲۸ رای دارند مجدداً اوراق رای توزیع و پس از استخراج آراء بترتیبی كه ذیلا مندرج است نتیجه حاصل شد عده اوراق رای ۶۰ مهره تفهیمه ۶۰ عدد آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای آقای نظام السلطان ۲۹ رای ورقه سفید حلامت امتناع ۲ عدد

نایب رئیس - چون در دفعه ثانی هم اكثريت نامه حاصل نشد ثالثاً تجدید میشود و در دفعه سیم اكثريت نسبی كافی خواهد بود

نظام السلطان - بنده در كمیسیون از آقایان استعفا کرده بودم اسم بنده را ننویسند باز هم نوشته حالا هم تقاضا میکنم اسم بنده را ننویسند (ثالثاً اوراق رای منتشر و پس از استخراج آراء بشرح ذیل نتیجه حاصل شد) عده اوراق رای ۶۲ مهره تفهیمه ۶۲ عدد آقای حاج میرزا اسدالله خان ۳۰ رای - آقای نظام السلطان ۲۹ رای - آقای حاج سیدرضا فیروز آبادی بكرای ورقه سفید حلامت امتناع ۲ عدد .

نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان كردستانی با اكثريت نسبی ۳۰ رای از ۶۲ رای بسمت منشی انتخاب شدند چون روز يكشنبه مید

قدیر است باید هیئت نمایندگان برای عرض تبریک حضور اعلی حضرت هابوسی شرفیاب شوند شروع میکنیم به تعیین ده تقریری شرفیاب در خصوص صده مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست شروع میکنیم به تعیین ده نفر بتوسط قره (در اینصوق آقای عبادالسلطنه استنراق نموده و آقایان مفصله ذیل بحکم قره معین شدند .

آقای دکتر حسینقلی خان - آقای سلیمان میرزا - آقای فرج الله خان سردار معظم - آقای ادیب السلطنه - آقای آفاشج محمد نبی - آقای حاج میرزا حسین کرمانشاهانی - آقای ملا الشمره آقای حاج میرزا حسینخان نایبی .

معتمد السلطنه - بموجب ماده ۱۴۶ نظامنامه داخلی باید دوفقر از منشیها در خدمت آقای رئیس یانایب رئیس شرفیاب شوند بنا بر این گویا دیگر از هیئت رئیس نباید بازعه انتخاب کرد . (برای تعیین سه نفر دیگر قره تجدید و آقایان ذیل معین شدند) .

آقای امیر مؤید - آقای مشارالدوله - آقای آقا سید محمد رضا مساوات .

نایب رئیس - حالا شروع میکنیم بشورنای قانون سرباز گیری از ماده پنجم . (ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - کلیه افراد قشونی که داخل خدمت می شوند بارعایت مراد نظامنامه قشون گیری باید دارای شرایط ذیل باشند (۱) تابعیت ایران - (۲) مسلمان (۳) نداشتن سن کمتر از ۱۸ و زیاد از ۲۸ سال - (۴) صحت مزاج و کامل الخلقه بودن .

سردار معظم - بنده در ضمن شور اول يك پیشنهادی هراین ماده کردم که نه مثل سایر پیشنهاد حافظ به تقاضای آقای مخبر کمیسیون رجوع شد بلکه در مجلس شورایی بواسطه اکثریت قابل توجه شد و بکمیسیون رفت و آن راجع بسن افراد قشون بود و بنده بدلائل مفصل و بجهت عدیده که فعلا محتاج بذکر نمی دانم عرض کردم خوب است سن را عوض هیچده سال بیست سال و در عوض بیست و هشت سال سی سال قرار دهند چون دلیلی که باعث عدم توجه کمیسیون محترم نظام نسبت بآن پیشنهاد شده است ذکر نشده لهذا بنده پیشنهاد خود را تجدید میکنم که عوض ۱۸ سال تا ۲۸ سال ۲۰ الی ۳۰ سال نوشته شود و اگر لازم شد توضیح هم خواهم داد .

سردار سعید مخبر کمیسیون نظام - چون مدتی از شور اول گذشته است اولاً که آقای سردار معظم فرمودند درست در نظر بنده نیست خوب است دو باره توضیح بدهند تا بنده جواب عرض کنم .

مدحت السلطنه - گمان میکنم بانجریانی که در این مملکت کردیم برای اینکه سن سرباز ۲۰ سال باشد ۱۸ سال باشد زیاد توضیح لازم نباشد بجهت اینکه معلوم است سن اشخاص دو مملکت ما معلوم نیست و بایستی بقیافه بشناسند که این سنش هیچده سال است یا بیست سال است بعلاوه هم البته تصدیق می کنند که هجوق هیچده ساله نمی تواند وظایف سربازی را انجام بدهد و ما امروز فرصت نداریم سن اشخاص را معین کنیم آنوقت شروع

کنیم سرباز گیری که سرباز زرنگ یادار کاری داشته باشیم لهذا سن البته باید از ۲۰ سال تا ۳۰ سال باشد که بتواند خدمات نظامی را انجام بدهد .

سلیمان میرزا - اولاً بنده گمان میکنم در جلسه قبل در يك ماده واحده که پیشنهاد شده بود مذاکره میشد و بایستی قبلاً در آن ماده شور شود و تا بنیاً حالا که ماده پنجم مورد بحث است چون دارای جزئیات است خوب بود این ماده را تجزیه میکردند و از اول به ترتیب شروع بنمادگره میفرمودند زیرا آقای سردار معظم در مسئله سن مخالف هستند بنده باقسمت دوم مخالفم و يك عده دیگر شاید در جزء دیگرش نظریاتی داشته باشند حالا اگر اجازه میفرمایند بنده در قسمت دوم عرایض خودم را بکنم .

نایب رئیس - بفرماید .

سلیمان میرزا - در قسمت اول که سرباز نیمه ایران باشد البته جای تردید نیست زیرا سربازی هر مملکتی يك اشخاص فداکاری و جان نثاری میکنند که اهل آن آب و خاک باشند ولی در قسمت دوم بنده تعجب میکنم که چرا این قید شده است زیرا ما در اینجا نشسته ایم و در يك مسئله سیاسی صحبت میکنیم هیچ در مسئله مذهبی صحبت نمیکنیم تمام اشخاصی که در این آب و خاک متولد میشوند باید برای جان فشانی و حفظ این آب و خاک حاضر باشند دو موقع حفظ آب و خاک لازم نیست مسلمانی قید شود مسلمانی موسوی زردشتی ارمنی تماماً همینطور که از سایر حقوق این مملکت استفاده می کنند همینطور که امنیت این مملکت را میخواهند همینطور هم باید در حفظ این مملکت شرکت کنند ما نباید يك صنف ممتازی معین کنیم چه دلیل دارد که تصدیق میکنیم مثل متنوعه در مجلس نماینده داشته باشند و در انتخابات شرکت کنند اما سرباز ندهند پس خوب بود در قانون انتخابات هم قید میکردیم که شرط و کیل این است که حتماً مسلمان باشد و مثل متنوعه نباید وکیل داشته باشد در صورتیکه قانون اساسی در مطالب سیاسی همه را مساوی قرار داده است و هیچوجه بنده نمیتوانم برای این مطلب دلیلی فرض کنم که يك عده برای حفظ مملکت زحمت بکشند و يك عده زحمت نکنند همانطوریکه تجار ملل متنوعه از امنیت مملکت استفاده می کنند همانطور هم باید حفظراه ها بکنند باید داخل زانبار شوند تنگ بدوش بگیرند دست خودشان را حفظ کنند و در راههای کشیک بدهند وقتی هم که جنگ شد خونشان را در راه این مملکت بریزند همک متعلق بهمان اشخاصی است که روی آن آب و خاک متولد میشوند و زندگی می کنند هر کس از هر چیزی استفاده می کند باید در مقابل تحمل زحمتش را هم بکند بنده هیچ منطقی نمیدانم که در موقع جنگ من بروم کشته شوم اما ملل متنوعه از روند در صورتیکه ما همه را در حقوق سیاسی مساوی میدانیم و در موقع انتخابات هم هر کدام بفرخور حال خود وکیل میدهند بنا بر این بنده بجز این جزء از ماده پنجم طرفدار نمیگیرم بدون استثناء ایرانی باید در نظام مساوی العقوق باشد و سرباز شود و خدمت کند .

نایب رئیس - اگر آقایان موافقند به ترتیبی

که آقای سلیمان میرزا فرمودند ماده را تجزیه می کنیم وابتداء در فقره اول صحبت میکنم راجع بقدره اول مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست در فقره دوم مذاکره میکنم .

حاج شیخ اسدالله - همچنانکه حضرت والا فرمودند در اینجا يك مسئله سیاسی مطرح مذاکره است و مسئله مذهبی نیست ولی بنده هم از هنا نظر سیاسی عرض میکنم که قشون مملکت ایران باید مسلمان باشد اگر نظر سیاسی هست این است برای خاطر اینکه در عملیات سایرین مثل دولت عثمانی تجربه بنا نشان داد که باید قشون مملکت اسلامی مسلمان باشد بنده این نظر را تقدیس میکنم که باید تمام افراد اهالی مملکت از مسلمانان و ملل متنوعه در موقع ضرورت حافظ این آب و خاک باشند و همچنانکه استناده می کنند خونشان را هم باید برای حفظ استقلال مملکت خودشان بریزند اما این نظر يك وقتی است که قشون گیری بطریق اجباری عمومی باشد نه باین ترتیب اجباری خصوصی بنا بر این بنده کاملاً با شما همراه هستم و اگر بشود در مسئله قشون گیری در ایران سیاسی اتخاذ کرد همان مسلمانی است بجهت اینکه اغلب اهالی این مملکت مسلمانند و باید قشون هم مسلمان باشد این است که بنده این فقره را یکی از فقرات خیلی خوب بدانم و باید این فقره در اینجا قید شود البته دولت ایران در مقام ضرورت از ملل متنوعه هم استفاده خواهد کرد و البته آنها هم برای حفظ امنیت و حفظ استقلال ایران خدمت خواهند کرد تا بحال هم کرده اند و ما هم کمال امتنان و تشکر را از آنها داشته و داریم ولی قشون اسلام باید تمام مسلمان باشد و بعنوان مسلمانی گرفته شود .

سردار معظم - همین مسئله که امروز در مجلس عنوان میشود بنده در کمیسیون عنوان کردم و با عقیده شاهزاده سلیمان میرزا موافقم الحمد لله دولت ایران در قشون گیری محتاج بذکر شرایطی که دول دیگر محتاجند نیست چون مسئله مذهبی نیست که تمام متفق شوم معلوم است مذهب رسمی مملکت ایران اسلام بوده و خواهد بود در این مسئله باید از نقطه نظر سیاسی بمطلب نگاه کرد فلان نظرها مختلف است و بنده بترسم در صورتیکه يك همچو مسئله در مملکت ایران وجود ندارد ما بقدره همچو شرطی آنرا ایجاد کنیم این شرط را ملتی باید بکنند که لازم باشد هنر فوری ترش داخل در قشون شود یعنی آن ملتی که مرکب از ملل مختلفه است و در داخله اش کشمکش ملل مختلفه وجود دارد نه مثل ملت ایران که ملتی است بیکارچه و یکدست و هنوز محتاج باین قبیل شرطهای قانونی نیست که موفقیت یکدست و يك عنصر از ملت خودش را محرز بکند و جلوگیری از عناصر دیگر بکند اگر از این نقطه نظر خدمت کردن بمملکت و دفاع از مملکت یکی از حقوق مسلمه تمام افراد ایرانی است و وقتیکه این نظر را داشتیم دیگر نمیتوانیم بعضی افراد ایرانی را دون بعضی از این حق محروم کنیم و بنظر تقلیدی يك مسئله را که الحمد لله وجود خارجی ندارد در ضمن قانون گذاری ایجاد کنیم چنانکه عرض کردم ملت ایران یکدست و یککارچه است و این قبیل مسائل و قیود تولید ضرر خواهد کرد نه تولید منفعت و تا بحال حکومت ایران از تمام اتباع خودش جز صمیمیت و

صداقت چیز دیگری ندیده است و بعد ما هم نباید به بیند و باید تمام اتباع ایران بدون فرق مذهب و نژاد با همان صمیمیت که تا بحال بمملکتشان و بدولت متبوه خودشان خدمت کرده اند همه ما باید بکنند پس از این نقطه نظر بنده کاملاً موافق هستم که این فقره دوم از این ماده قانون حذف شود بجهت اینکه این هیچ منفعت ندارد بلکه ضرر هم خواهد داشت **مخبر** - بعد از این شرح مفصل و مبسوطی که آقایان ایراد فرمودند جواب و بر این رد این فرمایشات بسیار است منتها بعضی را میتوان گفت و بعضی را نمیتوان گفت این را میفرمایند مسئله مذهبی نیست سیاسی است اینطور نیست سیاست و مذهب ممالک اسلامی توأم است هر وقت در ممالک اسلامی مذهب قوی تر بود سیاست آنها هم قوی تر بود و برعکس وقتی که مذهبشان قوی نبود سیاستشان هم قوی نبود بعلاوه هم تجربیاتی که سایر ملل اسلامی بیانشان داده اند و دیده ایم خود را از استفاده اجنبی ممنوع کرده اند گمان میکنم یکتا دلیلی باشد که از برای ما کفایت کند گذشته از این اگر دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که مخصوصاً بعد از جنگ فتحعلی شاه تمام قشون که اجنبی بودند از نظام خارج شدند و در عرض آنها قشون مسلم گرفته و آنکهی عنوان خدمت نظامی ما در حقیقت عنوان جهاد است و جهاد فقط بر مسلم واجب است بعلاوه از برای سایر ادوات هم البته آدم لازم است بنده هیچ مخالفی نمی بینم که سایر آقایان در هر کدام از ادارات بخواهند داخل خدمت شوند مجبور نیستند همه در يك اداره و وزارتخانه مخصوص باشند سایر وزارت - خانها هم باز است آقایان میتوانند در آن وزارتخانهها داخل خدمت شوند اینکه فرمودند افراد ایرانی نمیتوان از يك مقام و خدمتی ممنوع داشت بنده عرض میکنم چرا در قانون اساسی معین شده است وزراء مسلمان باشند همانطور که قید شده و وزراء مسلمان باشند چه ضرر دارد قشون هم همه مسلمان باشند **مدحت السلطنه** - بنده تصور نمیکنم با این عقیده که خیلی صحت دارد واقعاً از نظر حفظ مملکت بایستی تصویب کنیم اینطور مخالفت شود در ایران سه طایفه هستند که خارج از دین اسلامند اول زردشتی است که اگر درست نظر کنیم و انصاف بدهیم مالک حقیقی ایرانند و نباید اینقوم را زیر دست کرد باید آنها را تربیت کرد که کار دوم ارامنه اند که البته باز تصدیق میفرمایند که از اول شروع بشروطیت چه جان فشانیها چه خدماتی را در راه مشروطیت کردند و خدماتشان در تاریخ ثبت است و تا کون هم هیچ نوع خیانتی از آن ها نسبت باین آب و خاک سر نزده و باید کمال امتنان را هم از آنها داشته باشیم که در هر موردی با ما همراهی و مساعدت کرده اند قوم یهود هم همینطور مثل این دو طایفه هیچ مناسبتی ندارد که آنها را از این حق محروم کنیم در صورتیکه قانون اساسی و قوانین مشروطیت اجازه میدهد در مجلس شورای ملی نماینده داشته باشد هیچ زبینه نیست در قانون نظام در صورتیکه خودشان حاضرند آنها را محروم کنیم آقای مخبر فرمودند (اجنبی) خیلی متعجب و متأسفم که این لفظ را از ایشان می شنوم اجنبی یعنی چه اجنبی آنکسی است که اهل مملکت نباشد زائیده

این آب و خاک نباشد بکنفر ارمنی یا یهودی یا زردشتی اجنبی نیست اینها برادران وطنی و هم خاک ما هستند و بایستی رعایت آنها را کرد بنا بر این بنده باین جزو این ماده مخالفم .

حاج شیخ محمد حسن غروی - بنده عرض میکنم اگر موفق می شدید باینکه هومیت داده می شد که تمام اهالی مملکت جزء نظام باشند باز مع ذلك شرط اسلامیت لازم بود چون در ماده پنجم که شرایط سرباز ذکر می کند يك جا هم می نویسد که آن اشخاصی که از برای نظام معین می شوند باید یادار باشند فلسفه این را به بینم چه چیز است معلوم است در مقام جان فشانی بایست علاقه شخصی زیاد تر باشد تا اینکه نسبت باین کار بزرگ و این امر مهم اقدام کند و بشود گفت که ماقشونی داریم بلکه بنده عقیده ام این است که در آن موقعی که عده اشخاص زاید میشود عرض اینکه بقره معین کنند در آن مورد بالاخصتص بدون اینکه بقره معین شود دو صنف از اهل مملکت ما بدون فقره علاقه و دل بستگیشان بواسطه دارائی و ملک بیشتر است و يك صنف علماء و سادات و کسانی که از متدینین مسلمین هستند بنده عرض میکنم صنف متدینین و اهل علمائ و علماء و سادات و همچنین مالکین که جنبه علاقه دارند بدون فقره معین هستند باینجهت عرض میکنم ملل دیگر و او اینکه از مملکت ما خارج نیستند در این مقام حق ندارند برای اینکه جنبه دنیائی ندارند چه بسا اشخاصی هستند که صد مراتب بیشتر برای علاقه مندی دنیوی خود کشتی میکنند پس باین لحاظ و باین نقطه نظر حالا که با آن ترتیب هومی موفق نشده ایم (کم من فتنه قلیله قلبت فتنه کثیره) منافات ندارد که ملل دیگر محروم بمانند آنها ممکن است در مخارج و چیز های دیگر که آنها میکنند هیچ معنی این نیست که ما آنها را بیرون مانسوان و صیان راهم بیرون کرده ایم ما مجانبین و اشخاص مذکور هادا هم بیرون کردیم در این اشخاص چون آن جنبه جامعیت جانشانی کما یبنی نیست آنها را بیرون کرده ایم مسلحین هم چون بالنسبه بملل متنوعه یادارند چه طور که سابق بر این گفتیم حکماً آن کسانی را که علاقه دارند باید زیر سلاح آورد و کسانی را که علاقه ندارند باید خارج کرد این شرط برای چه بود برای این بود که این عده قلیل اسباب هزیمت و سرکشستکی مملکت نشوند باین لحاظ چون مسلمین فارای دو جنبه هستند یکی جنبه دنیائی که اگر اتفاق بیفتد آن جان فشانی را که باید بکنند میکنند و یکی جنبه علاقه مندی باین مملکت باین دو لحاظ عرض میکنم این شرط لازمه است و از نکات اساسی است .

نایب رئیس - مذاکرات کفایت . (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست) رأی میگیریم به کافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (غائب قیام نمایند) .

نایب رئیس - مذاکرات کافی است حالا در فقره سیم حرف میزنیم . (گفته شد رأی بگیریم)

نایب رئیس - رأی را در آخر مذاکرات می شود .

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم فقره سیم از ماده پنجم به این ترتیب نوشته شود نداشتن کمتر از بیست و زیاد از سی سال

سردار معظم - بنده هم پیشنهادی کرده بودم .

نایب رئیس - پیشنهادی که سابق کرده بودید بکمیسیون رفت و کمیسیون قبول نکرده است

سردار معظم - السامه پیشنهاد کردم .

حاج عزالمالک - اگرچه آقای سردار معظم توضیح کامل دادند بنده هم همین قدر عرض میکنم بواسطه اینکه احصائیه مرتبه در مملکت ما نیست يك کسی که برای سرپازی انتخاب می شود واقعا نمیشود گفت همان هیجده سال را دارد علاوه بیست سال يك عددی است که اولاً به ترمینشود فهمید يك آدمی بیست سال دارد وانگهی با آن توضیحی که اظهار داشتند فاصله بیست و سی سال همان فاصله هیجده و بیست و هشت سال است و این يك چیزی نیست که اشکال داشته باشد و يك مطلب مهمی نیست که توضیحات کاملی لازم داشته باشد و البته نمایندگان معترم رای خواهند داد بجهت اینکه تشخیص بیست سال زودتر و ترمینشود تا هیجده سال.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای سردار معظم خوانده میشود .
(بعضون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۵) فقره (۳) این طور اصلاح شود نداشتن سن کمتر از بیست سال و زیاد برسی سی سال .
معاون وزارت جنگ - بنده تصور میکنم این قسمتی را که نماینده معترم خراسان در خصوص هیجده سال و بیست سال اظهار کردند یکی از فروعات است بجهت اینکه روی پیشانی هیچکس نوشته نشده است که بیست سال دارد یا هیجده سال در سن یازده شرعاً بعضی تکالیف بها وارد است و در سن هیجده افراد ایرانی و کسانی که در زیر آفتاب مشرق زمین زندگی میکنند هر نوع خدمتی حاضر هستند در این صورت خدمت سرپازی را هم از آن زمانیکه بنیه و توانائی برای افراد هست باید شروع کرد و ازیاف کردن دو سال بدون جهة جایز نیست و این مطلب يك چیزی نیست که ما آنقدر اشکال بکنیم .

سردار معظم - این اشکال نماینده معترم وزارت جنگ را بنده چندین بار میدانم بجهت اینکه اگر ما نظام اجباری عمومی میداشتیم آن وقت این اشکال وارد بود و شاید بنده هم موافق بودم ولی در صورتیکه تمام جوانهای این مملکت نباید برای خدمت کردن در نظام حاضر شوند بجهت تعداد هیجده سال معین کنیم و البته اول خدمتشان باید از موقعی شروع شود که تمام قوای بدنیشان برای تحمل خدمت حاضر شده باشد و البته آقای معاون وزارت جلیله جنگ هم تصدیق خواهند فرمود که در سن هیجده سالگی هنوز قوای جسمانی و دماغی شخص تکمیل نشده است و این مسئله هنوز قابل دقت و مباحثه است و دقت و مباحثه این مسئله را واگذار میکنیم به نمایندگانی که از طب سر رشته دارند چون از صلاحیت بنده و ایشان خارج است ؛ این يك چیز غریبی است که در مقابل این دلایل ساده که میگوئیم در مملکت ما چون احصائیه نیست و سن از روی تحقیق و دقت مشخص نخواهد شد و بر فرض هم که ممکن شود سن را از روی تحقیق معین کنند باز هیجده سال زود است و خوب است عوض هیجده سال که يك عدد عادی (شایسته) نیست بیست سال معین شود و برای اینکه تطبیق نشود بیست و هشت سال را هم سی سال کنیم آنوقت آقایان بگویند در مملکت ما به یاد از برای خدمت حاضر شوند این چیز غریبی است در صورتیکه يك دهی که سرپازی بنده است شاید ده يك جوانهای

بیشتر سر خدمت حاضر نمیشوند پس از این نقطه نظر که چون در سن هیجده قوای جسمانی و دماغی افراد مملکت هنوز کامل نیست چه ضرر دارد که بیست سال معین کنیم تا از داشتن سرپازی (۱۵) و (۱۶) ساله خلاص شویم آری سرپازی را برای چه میخواهند برای خدمت و مشقت و زحمت میخواهند یا فقط برای اسم میخواهند ؟ که يك صورتها و نقشهای دیواری آنجا گذاشته شده باشد بنا بر این بنده موافق باشق تانی نیستم و تأکید میکنم بیست سال مقرر فرمایند که بعد ما بچه های یازده و شانزده ساله را دم درها نگذارند .

مخبر - این پیشنهاد را فرستید بکمیسیون تا در آنجا تأیید يك مطالعه شود .
سردار معظم - دهم اول پیشنهاد شد و قابل توجه شد رفت بکمیسیون در کمسیون تکلیفش معین نشد سالانده دوم است و باید رای گرفت .
نایب رئیس - اگر آقایان موافقت رای بکنیم چون پیشنهاد آقای سردار معظم و آقای حاج عزالمالک هر دو یکی است يك دهم رای میگیریم .
سردار معظم - بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم .
نایب رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای حاج عزالمالک آقایانیکه موافقت قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند و فقره چهارم از ماده ۵ مجدداً قرائت شد)

حاج شیخ اسدالله - بنده در این فقره يك پیشنهادی کرده بودم که بعنوان فقره پنجم ضمیمه شود هیچ در اینجا معترض نشد لذا لابد هستیم در این فقره عرض خود را بکنم این فقره راجع بصحت مزاج است البته معلوم است برای سرپازی يك اشخاصی لازم است که صبح المزاج و در کمال رشد و قوه و بنیه باشند که طاقت هر قسم مشقتی را داشته باشند بنا بر این يك چیزی که برای سرپازی خیلی لازم است این است که عادت تریاک کشی نداشته باشد که این از هر مرضی برای افراد قشونی بدتر است ام از صاحب منصب و تا بین بلکه از برای صاحب منصب اهمیتش زیادتر از این است اگرچه تا این هم نباید متناد باشد پس اگر بخواهیم همین اندازه هم که نوشته صحیح المزاج باشند قناعت کنیم شامل آن نظری که بنده دارم نمی شود بجهت اینکه کسی که متناد تریاک است آدمی است صحیح المزاج و اگر طبیب هم او را معاینه کند مرضی ندارد و هیچ عیب و نقیصی در او نیست ولی يك عیب دیگری دارد که از هر مرضی بدتر است بنا بر این در این قانون باید تصریح شود که افراد قشونی هم از تریاک و صاحب منصب باید عادت بتریاک نداشته باشند تا اینکه در هر موقعی بتوانند حاضر خدمت شوند و در اغلب اوقات مشغول آن عمل و فوج مملکت نباشند .

نایب رئیس - فرمایش جناب عالی راجع فقره چهارم نبود .
مخبر - در فقره چهارم گویا ایرادی نباشد .
در فقره پنجم آقای حاج شیخ اسدالله يك پیشنهادی بکمیسیون فرستاده بودند که در اینجا نوشته شده بود عدم اعتدای بتریاک و این چیز غریبی بود

بجهت اینکه این در حقیقت اسباب میشد که يك جمعی از اهالی مملکت خودشان را اجباراً متناد بتریاک آفیون کنند ولی در قانون نظام يك تربیتی هست و قنطن اکید است که کسی متناد بتریاک نباشد علاوه هم يك خدمت بزرگی از طرف وزارت جنگ بجهت و ملت میشود و آن اینست که اگر يك کسی داخل در نظام شد و این مرض را داشت وزارت جنگ او را معالجه خواهد کرد و در تحت نظارت و حفظ الصحه اطباء نظامی يك مدتی معالجه خواهد شد و بکلی رفع این مرض از او شده و يك آدم عادی میشود که بعد خدمت بمملکت بشود بنده تصور میکنم در صورتیکه ممکن است این اشخاص را معالجه کرد دیگر لازم نیست يك عده زیادی را از خدمت نظامی خارج کنیم بنده بکلی این شرط را زاید میدانم اما در باب صاحب منصب بنده اطلاع کاملی ندارم که قنطن اکید هست صاحب منصب متناد بتریاک آفیون نباشد یا خیر اگرچه شاید برای صاحب منصب هم قنطن باشد

نایب رئیس - فقره پنجمی در قانون نیست گویا فقره پنجم پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله بوده است معلوم میشود دو فقره چهارم مخالفی نیست يك پیشنهادی از طرف آقای خان بابا خان شده است که ماده پنجم تجزیه شود رای میگیریم فقره اول که تابعیت ایران است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند . (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد رای میگیریم در فقره دوم از ماده پنجم آقایانیکه موافقت قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد رای میگیریم در فقره سیم مطابق پیشنهاد آقای حاج عزالمالک آقایانیکه فقره سیم را بآن ترتیب تصویب مینمایند قیام فرمایند . (غالب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است رای میگیریم فقره چهارم از ماده (۵) آقایانیکه موافقت قیام نمایند . (غالب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد حالا رای میگیریم بکتابه ماده (۵) آقایانیکه با کلبه ماده پنجم موافقت قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده ششم خوانده میشود . (بعضون ذیل خوانده شد)
ماده (۶) کلبه افراد بیبچه تا درجه ششیر بند در سن چهل و پنجسالگی از خدمت صف معافند .
خان بابا خان - بنده يك توضیحی از آقای مخبر میخواهم که مقصودشان از اینکه تادرجه ششیر بند معاف هستند چیست ؟
مخبر - البته خاطر آقایان مسبق است که از اول قشون تقسیم بدو قسمت میشود يك قسمت آن تا این است که خدمت میکند تا میرسد بدرجه ششیر بند که نایب دوم و سلطان و یاور و بیلا است بعد از آنکه تا این

پس چهل و پنجسالگی رسید از خدمت صف معاف میشود اما قسمت دوم که صاحب منصب ششیر بند هستند باقی خواهند بود در اینجا که گفته میشود افراد بیبچه تا درجه ششیر بند معافند مقصود یعنی آنهاست هستند که دولت احتیاج بزحمات بدنی آنها دارد و بنین است وقتی یک نفر پس چهل و پنجسالگی رسید آن فوه بدنی و قشونی را که باید از برای خدمت صف داشته باشد برای او نخواهد بود یا بجهت در سن چهل و پنجسالگی از خدمت صف معاف میشود ولی اگر در این مدت زحمت کشید و ترقی کرد و بدرجه صاحب منصب رسید البته زحمت بدنی صاحب منصب بالغورده باندازه زحمت آن تا بنین نخواهد بود و در خدمت باقی خواهد بود .

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای میگیریم بماده شش آقایانیکه ماده ششم را تصویب مینمایند قیام نمایند . (غالب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود . (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - احضار و مرخصی افراد بیبچه برای صنوف مختلفه نظامی با تشخیص وزارت جنگ بحکم وزیر جنگ است .

نایب رئیس - مخالفی نیست رای میگیریم بماده هفتم - آقایانیکه موافقت قیام نمایند . (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده هشتم قرائت میشود . (بعضون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - مدت خدمت افراد قشونی دقتاً نباید متجاوز از دو سال باشد .
حاج سید رضا بنده در جلسه قبل پیشنهاد عرض کرده بودم که جمله (مکرر در موقع ضرورت) اضافه شود که در موقع ضرورت تا سه سال هم ممکن باشد در خدمت باشد ولی در موقع غیر ضرورت همان دو سال باشد موقع ضرورت هم یعنی در موقع جنگ زیرا در آن موقع اگر بخواهند سرپازی جدیدی بگیرند وقت فوت می شود باین جهة اگر مجلس شورایی و هیئت دولت تصویب بفرمایند گویا ضروری نداشته باشد .

مخبر - لابد خاطر آقایان نمایندگان مسبق است که هر چه بعد از تکمیل درجات سرپازی سرپازی زودتر تغییر کنند و بکنده دیگر برای مشق حاضر کنند بهتر از این است که در موقع سرپازی کار کرده رای ای خدمت حاضر کنند و برای اینکه سرپازی مشق کرده زیادتر داشته باشیم مدت را دو سال قرار داده ایم و بنده گمان میکنم این دو سال بهترین مدتی است که از برای خدمت اجباری معین شده است یعنی یکسال از برای تعلیمات و یکسال از برای خدمت کردن و گمان میکنم بیشتر از دو سال لازم نباشد و اگر زیادتر لازم شود وزارت جنگ می تواند عده دیگری از بیبچه را حاضر کند و از آنها استفاده کند و بیشتر از دو سال لازم نیست .

حاج سید رضا - صحیح مینمایند اما بنده در موقع ضرورت عرض کردم نه در موقع غیر ضرورت وقتیکه ضرورت بیش آمد دیگر این ملاحظه را نمی توان کرد .

مخبر - مواقع فوق ماده را گمان نمیکنم لازم باشد در قانون بنویسیم آن بسته به نظر وزارت جنگ است .
نایب رئیس - در اینخصوص آقای فیروز - آبادی پیشنهادی کرده اند قرائت می شود و رای میگیریم . (بعضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده هشتم افزوده شود مدت خدمت افراد قشونی دقتاً نباید متجاوز از دو سال باشد مگر در زمان ضرورت که تا سه سال ممکن است سرپازی داخل در خدمت بوده باشد یا تصویب مجلس و در زمان منقذ نبودن مجلس بتصویب هیئت دولت .

نایب رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه موافقت قیام خواهند فرمود (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شری میگیریم ماده هشتم آقایانیکه بماده هشتم موافقت قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد چون جمعی از آقایان اظهار فرموده اند کار لازمی دارند و باید بروند اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم آقای ارباب گیخسرو فرمایشی دارید

ارباب گیخسرو - البته زحمات که برای آزادی ملت در این مملکت کشیده شد از برای این بود که حقیقتاً بعضی ها که دچار صدمه بوده اند تخفیفی در زحمات آنها داده شود و حالا دیگر مقضی نیست بعضی نظریات تبعیض در کار باشد بنده در آن موضوع حالا عرض نمیکنم يك فقره از ماده پنجم در اینجا گذشت علاوه بر اینکه تبعیض میشود بعضی از آقایان نمایندگان ملل متنوعه را جزو مجانبین و سفاها بقلم میآورد حقیقتاً این مسئله مضحک است که یک نفر نماینده در مجلس رسمی یعنی مجلس شورای ملی ملل متنوعه این نسبت را بدهد خوب است توضیح بفرمایند که مقصودشان چه بوده است .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - معروف است در مثل مناقشه نیست اشیاء عالی را بدانی ودانی را بمالی مثال نمیزند و نظر باینکه آن جنبه کامل بودن جان فشانی در غیر اسلامی نیست و این مسئله بعد تکمیل در وجود مسلم کامل است و در ایشان نیست بملاحظه همین جنبه مرض کرم آن ملاکهای که در آنها هست در اینجا هم هست نه اینکه ملل متنوعه مشغول نیستند و خارج از این آب و خاک هستند نه اینکه آنها جزو مجانبین و سفاها هستند در مثل کسی مناقشه نکرده است .

ناصر الاسلام - در آن موقعی که در این موضوع مذاکره بود بنده اجازه خواستم متأسفانه نوبت بنده نرسیده آقایان مذاکرات را کافی دانستند مذاکراتی که در مجلس شد با اختلاف نظریات مخصوص بود که بنده هم متأسف بودم که چرا نباید آن مذاکرات و اختلافات نظریات بشکل بدی تمیر شود و بجای مایل بودم که در آن موقع نوبت بنده برسد تا فلسفه را که دولت در این قانون در نظر گرفته است عرض کنم ملل متنوعه که در ایران زندگانی کنند آنها را رعیت ایران و صدیق و خدمتگذار

دولت ایران میدانیم اما فلسفه اینکه دولت ایران آنها را از خدمت نظامی معاف داشته است تصور میکنم از کثرت رفتنی است که بدل متنوعه داشته است یعنی چون همه آنها در مملکت ما کم است و ملت اسلام از حیث عده زیادترند خواسته است باندازه رفت و در حق آنها مبدول بدارد که آنها را در خدمت نظامی که لازمه اش مشقت است وارد نکرده باشد و خواسته است آنها از آن مشقت و زحمت آسوده باشند بنده کاملاً تصدیق میکنم که ملل متنوعه که تبعیت دولت ایران را دارند همیشه بایک صداقت و يك صمیمیتی با کمال جد و جهد طوری باین آب و خاک خدمت کرده اند که مافوق آن متصور نیست و بر احدی پوشیده نیست و نظر دولت هم فقط بواسطه رفت و مهر بانئی است که نسبت بآنها داشته اند و آنها را معاف نموده است .

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است ؟ (گفته شد کافی است)
سردار معظم - قبل از اینکه مذاکرات در این موضوع ختم شود عرض میکنم گویا هنوز رفع این سوء اثری که از این مسئله حاصل شده بود نشده است چون بنده می بینم هنوز بعضی از نمایندگان دلخور هستند .

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را کافی دانستند .
سردار معظم - رای که نگرفتید مقصود این است که باید رفع این غائله و این سوء تفاهم بشود **نایب رئیس** - اینجا يك سوء تفاهمی شده بود آقای گروسی خودشان توضیح دادند و آقای ناصر الاسلام هم سوء تفاهم را رفع کردند در این صورت رفع سوء تفاهم شده و تصور میکنم مذاکرات کافی باشد .

سلیمان میرزا - البته آقایان فراموش نفرموده اند که بنده غالباً در موضوع امنیت مملکت مکرر در مجلس اظهاراتی کرده ام و غالب آقایان هم در این موضوع پاینده شریک و سهیم هستند و آن مسئله که مابین الاتفاق همه است مسئله تقویت کامل از تمام قوای تأمینیه مملکت است یعنی اینکه می بینیم در قانون نظام آنقدر دقت میشود برای این است که قوای تأمینیه مملکت زیاد شود چون هر ملکتی زنده است زنده بودن آن بسته به وجود قوای تأمینیه نظام و زاندامری و نظمی است و اگر يك قدری دقت کنیم و اوضاع نظمی سه سال قبل را که هنوز این تشکیلات در آن نبود بالمرور مقایسه کنیم می بینیم از زمین تا آسمان تفاوت دارد و در حقیقت امنیت مطلقه که در تهران موجود است بسته به وجود تشکیلات دهندگان نظمی و صاحب منصبان سویدی است که حقیقتاً از ما مورین اروپائی منحصری هستند که وظائف خودشان را انجام داده اند و در حقیقت آن کاری را که بعهده گرفته اند بدرستی زحمت کشیده و بخوبی انجام داده اند بنده امروز بر حسب اتفاق اطلاع یافتیم که بواسطه همین نشدن تکلیف رئیس تشکیلات نظمی مسیو و سندهل ایشان برای روز یکشنبه بطور قطع مسافرت خواهند کرد و کنترات ایشان هم که تکلیفش هنوز مبهم مانده و بمجلس نیامده است چون امروز صبح بنده این اطلاع را پیدا کردم يك ملاقاتی از او کردم و هر قدر خواستم او را قانع کنم

که تا هفت هشت روز دیگر فرصت بدهد که شاید در این موضوع یک اقدامات دیگری بکنیم که کثرت است او تجدید شود و مقصود او را به عمل آورده باشیم ممکن نشد قبول نکرد و چون بنده یک هفت هشت هشت ماهی هم در وزارت داخله در یک شنبه که کار نظمی هم مربوط با آنجا است بودم و در بعضی از اوقات بنظمی میرفتم و از خدمات آنها کاملاً اطلاع دارم این است که عرض میکنم اگر رئیس تشکیلات نظمی تغییر کند شاید این تشکیلات باین ترتیب کاملی که امروزها هست باقی نماند و اگر هم فرضاً همین ترتیب باقی بماند یک حالت وقوفی پیدا شود که دیگر پیشرفت نکند زیرا خیلی کارهای دیگر هست که هنوز ناقص است از قبیل کارهای نظمی اطراف تهران و آن اشخاص که نظمی و تشکیلات آن را دیده اند و تجربه کرده اند بخوبی مسوق هستند بنا براین بنا اینکه میدانم تمام نمایندگان با بنده موافق هستند مزیماً لئناً کید عرض میکنم که عموماً با بنده همراهی کنند (چون روز یکشنبه نزدیک است و عید غدیر هم در بین هست و دیگر فرصت نخواهم داشت) از طرف هیئت وزراء مجلس یک چیزی بوزارت داخله یا به هیئت دربار نوشته شود که کثرت مسیو وستداهل را خیلی زود تر بمجلس بفرستند تا مجلس هم رای خودش را در آن موضوع اظهار بدارد و زودتر آن کثرت را (که بقیه دارم همه رفقای من رای خواهند داد) تجدید نمایند بلکه نظمی تهران دچار یک بحران و حالت توقف نشود و بکنند از خیالاتان در زمستان معطوف به نظمی تهران نشود.

سردار معظم - شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند

که امروز از رفتن مسیو وستداهل واقف شدند ولی ما یک هفته هستیم که مدتی است متأسفانه می شویم و در جراید محلی میخوانیم که مسیو وستداهل میرود و جراید محلی مدتی است هر چه توانستند در این باب داد زده اند و گویا همان حکایت ناله و گوش است و بالاخره اظهاراتی هم که در مجلس میشود گویا اثراتش شدیدی از آن چیزیکه در جراید نوشته میشود نخواهد بود درست است که ما قنای تأمینیه را در مجلس یعنی در هیئت زریون خیلی اهمیت میدیم و بیگوشیم زنده بودن مملکت بواسطه قنای تأمینیه مملکت است ولی فقط در همین پشت گرمی خطابه است و مساهداتمان بآن فقط بهمان گفتن است و متأسفم که در عمل این مساعدت نمیشود خود شاهزاده سلیمان میرزا شاهد هستند و خودشان هم یکی از اعضاء آن کمیسیون بودند که در وزارت داخله در خصوص ژاندارمری منقذ شد بنده و ایشان هر دو در آن کمیسیون عضویت داشتیم و بالاخره راپورتهای عیدیه از آن کمیسیون صادر شد که مسائلی که محل ابتلا و احتیاج ژاندارمری است به هیئت دولت تقدیم شود بلکه قوه تأمینیه مملکت از بحرانی که مدتی است دچار آن شده خلاص شود و باز هم متأسفانه می بینم تا به حال اثری داده نشده است و میترسم باز بعد از چندی یکی از نمایندگان محترم در هیئت کرسی نطق بگوید که روز دوشنبه آتی مسیو ادوال حرکت خواهد کرد در اینصورت آیا مقتضی نیست مجلس شورای ملی عوض اینکه بوزارت داخله بنویسد یک اقدامات جدی تر و شدید تری بکند و

آن این است که السامه یک هیئتی را انتخاب کنند و بخدمت آقای رئیس الوزراء بفرستند و عرض کنند که حضرت اشرف عالی بواسطه گرفتاریهای فوق العاده که دارید شاید بجزئیات امور نمیتوانید رسیدگی کنید امروز دو قوه بزرگ مملکت ما که نظمی و ژاندارمری است و قوه تأمینیه مملکت است در حالت انحلال واضع جلالت است آیا ممکن است هیئت دولت یک توجه مخصوصی از برای حفظ این دو قوه تأمینیه و امنی مملکت بنماید و آنها را از حالت بحران بحالت سلامت بیاورد و آنها را از این حالت حاضر نجات دهد و بالاخره قوياً و عملاً از رفتن مسیو وستداهل جلوگیری کنند بنده تصور میکنم که باید از طرف مجلس یک هیئتی برای اینکار انتخاب بشوند به هیئت وزراء بروند.

حاج شیخ اسدالله - بنده هم نظرم بهمین

بوده که آقای سردار معظم فرمودند یعنی یک قدری باید عملی تر شد بجهت اینکه تجربیات گذشته بمانشان داده که تقاضا مائیکه میشود یک مدتی طول خواهد کشید و در ظرف این مدت نتیجه مطلوبی از دست رفته و آن کمی که میخواهد برود میبرد هم موفق بیک نتیجه عملی نمیشود پس باید داخل در یک عملیات و یک اقدامات جدی شد و بهترین شقوق این است که یک هیئتی از مجلس انتخاب شوند و بروند با آقای رئیس الوزراء داخل مذاکرات شوند و وسائل و وسایطی که بیشتر اسباب انحلال ژاندارمری و نظمی است و اسباب بحران آنها را فراهم بیاورد مرتفع کنند و شخص رئیس الوزراء یک خاتمه باینکار بدهد و کثرت آنها را تجدید و تکالیفشان را معین نمایند که بدست خارجی و متفرقه نیفتند آنها بیشتر اسباب مصلی کار بشوند.

ناصر الاسلام - بنده کاملاً با آقایان سلیمان

میرزا و سردار معظم و حاج شیخ اسدالله موافقم و فقط میخواهم تذکر بدهم این که گفته شد از مجلس نسبت بژاندارمری و نظمی تأکید میشود و هیئت دولت ابتدا اهمیت نمیدهد بنده میخواهم این مسئله را تردید کنم بجهت اینکه این تصویبی که فعلاً از طرف اتعاق نمایندگان میشود و کلامه صحیح است صحیح است از هر طرف شنیده میشود بنده تصور میکنم این نوع تصمیمات مجلس را هیئت دولت نمیتواند منشا از فرار نهد زیرا نظر اتفاق مجلس است عملی بودن در این مطالب هم همان نوع است که آقای سردار معظم پیشنهاد کردند بنده هم متقدم باشم که همین هیئت منتخب شوند و به هیئت وزراء بروند و انجام مطلب را بخواهند و برای اینکه بدانند مجلس از مستخدمین سویدی کمال رضایت را دارد و مخصوصاً تقاضا میکند کثرت کلبه اشخاصی که بر خلاف قانون اساسی تجدید شده است بعد از این مراعات قانون اساسی بشود و به منظور آقای ارباب کبخی در جلسه قبل تذکر دادند یک عده از مستخدمین خارجه هم هستند که هیچ کثرت ندارند و موظفند خوب است این هیئتی که فعلاً منتخب میشوند بآنها مأموریت داده شود که از آقای رئیس الوزراء صورت اسامی کلبه آن اشخاص را بگیرند و بیاورند و یک عده دیگر از مستخدمین خارجه هم که مدت کثرت آنها منقضی شده است صورت آنها را بگیرند و بمجلس بیاورند که نمایندگان نظر کنند و

نسبت باشخاصی که مستخدم شده اند و دو واقع رضایت دولت و ملت ایران را جلب کرده اند مجلس احساسات خودش را بروز بدهد و به منظور از هیئتی هم که وظیفه خود را بروز ندادند باز هم احساسات مجلس که احساسات ملت ایران است نسبت بآنها معین خواهد شد.

سلیمان میرزا - اولاً یک سوء تفاهمی شده

است اینستکه بنده عرض کردم امروز مطلع شدم واز سابق میدانستم جز از سابق میدانستم بجهت اینکه بنده هم در روزنامهها میخوانم و میدانم کثرت آنها چه وقت منقضی میشود چون سواد مینوت آنها را بنده نوشتم چیزی که هست این است که امروز مطلع شدم مسیو وستداهل روز یکشنبه یادوشنبه حرکت خواهد کرد یعنی امروز صبح که او را ملاقات کردم خودش میگفت صبح روز دوشنبه حرکت خواهد کرد ولی باهمه این ترتیبات نظر بنده باین است که عوض اینکه یک هیئتی خدمت آقای رئیس الوزراء بروندها و بیک چیزی از طرف مجلس نوشته شود بجهت اینکه خوب است در هر کاری در جانی فائل شویم و بنده بقیه دارم پس از این مذاکراتی که امروز در مجلس شد اگر چیزی نوشته شود کفایت خواهد کرد چون این مطلب یک چیز فوق العاده نیست که و کلامه تشریف بزنم و یک انتخابی بشود بجهت اینکه شاید حالا که این انتخاب میشود و و کلامه میروند هیئت وزراء منقذ میباشد و شاید فردا هم یک کارهای فوری مهم تری داشته باشد که نتوانند آنها را ملاقات کنند و دیگر اینکه متقاعد کردن مسیو وستداهل فقط تجدید کثرت او نیست بلکه یکی از شرایطش معین کردن محل پرداخت چهار هزار تومان ماه بانه از برای نظمی تهران و قزوین و رشت است و تعیین این محل که مرتباً برسد شرط صل او است حالا بجهت ترتیب باید ادا شود ؟ مسئله بر میگردد بوجه بودجه و مالیه و آن دردهای بیدارمان که خودمان میدانیم پس از این صورت شاید اظهاراتیکه این کثرت شما تجدید خواهد شد و این مقصود شما بعمل خواهد آمد متقاعد نشوند و شاید این مسئله را هم نوشته و برای آنها فرستاده باشد ولی چون او این شرط اساسی یعنی محل پرداخت چهار هزار تومان را که در روز اول هر ماه پرداخته شود معین کرده است قبول نمیکند و پس از آنکه دو سه امرا ملاحظه بفرمائید شاید آقایان در نظر خواهند گرفت که یک قسمت از این جزئیات را باید مجلس تعیین کنند و آنوقت که بنده پیشنهاد تصویب محل برای نظمی کردم شاید نظرم همین چیزها بود. لهذا بنده طرف دارم این نیستم که باید در جات را فائل شویم و امشب را بنوشتن بگذرانیم و اگر روز یکشنبه دیدم این کار مجری شد (در صورتیکه قطع دارم مجری خواهد شد) آنوقت این کار را خواهیم کرد همین قدری مطلبی که هست این است که وزیر بعد از اینکه دید یک مراسله از طرف مجلس رسیده است که باید کثرت آنها تجدید شود بآنها خواهد گفت که در مجلس گفته شده و کثرت شما تمدید خواهد شد و همینقدر که یک حس مساعدتی از طرف مجلس بآنها ابلاغ شود و از طرف هیئت وزراء یک چیزی نوشته شود گمان میکنم کفایت نکند ببالا اگر ما امشب برویم میدانیم به هیئت وزراء امشب جلسه دارند یا ندارند و اگر هم باشند

آنوقت شروع بصحبت میشود و تا ساعت هفت و هشت از شب بصحبت میکنند و یک مدرک کتبی هم درست و زرار نخواهد بود و میباید بکلیت و به منظور که فرمودند مسئله بکمیسیون ژاندارمری راجع میشود و آن هم البته مطلبی است که مهمتر از نظمی است بنده و آقای سردار معظم هر دو در آن کمیسیون بوده ایم میدانم در آنجا چه مشکلاتی هست آنوقت میبایتم در آن کلبات والا هم فلاح هم پس بنده عقیده ام این است اگر آقایان موافق باشند یک چیزی از طرف هیئت رئیس در موضوع مسیو وستداهل بر رئیس الوزراء نوشته شود و بعد اگر میل داشته باشد در آتی یک کمیسیونی بشود زیرا این مطالب باید ملاقات تمام نخواهد شد مسئله ژاندارمری و خیلی چیزهای دیگر هست که باید در وقت دیگر یک کمیسیونی معین کنیم و یک ترتیبات دیگری بهمین که هر دو کار از پیش برود والا امشب تصور میکنم شاید بآن مقصود نسیم **نایب رئیس -** آقای سردار معظم پیشنهادی کرده اند بعد از اظهارات آقای معمل العوا که اگر عده کافی باشد رای میگیریم.

معمل الدوله - بنده عرضم این بود جامع

بیانات و مذاکراتی که شد این است که اگر کمیسیونی را که برای مطالعه بودجه معین شده است مجلس همان کمیسیون را مأمور اینکار بکند و یک چیزی از طرف هیئت رئیس بنویسند گمان میکنم بهتر باشد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای سردار معظم

خوانده میشود. **سردار معظم -** چون عده برای اخذ رای کافی نیست پیشنهاد خود را پس میگیرم اجازه بفرمائید عرض کنم.

نایب رئیس - توبت خود جنابالی هم

هست بفرمائید. **سردار معظم -** راست است بنظر اول که نگاه کنیم باید در امور معتقد بیک در جاتی شد و اگر فعلاً کفایتی نوشته شود و تأکید شود با مذاکرات و اظهاراتی که امروز در مجلس شده است کافی خواهد بود ولی رقیبیکه خواسته باشیم عملی بشویم متأسفانه خواهیم دید که حقیقت در غیر از این است زیرا اگر امشب چیزی نوشته شود معلوم نیست نتیجه که برای ما حاصل میشود چیست چون روز ۵ شنبه عید است و مجلس نیست و از روز شنبه تا یکشنبه هم یک روز بیشتر نیست هیچکس هم تأمین نمیکند که در ضمن آن مجاری اداری که باید این کاغذ طی کند تا روز دوشنبه رئیس الوزراء خواهد رسید و نتیجه خواهد داد بلی اگر ممکن بود این کاغذ را مستقیماً برسانند آنوقت ممکن بود کاغذ اکتفا کرد ولی بنده میترسم این کاغذ چند روز دیرتر بر رئیس الوزراء برسد باین ملاحظه عرض میکنم هیچ بهتر از این نیست که برای این کار هیئتی انتخاب شود و مقصود بنده هم از فرستادن این نیست این است که آن اداره و تصمیم برای مجلس را اساناً بر رئیس الوزراء عرض کنند و برای این کار هم لازم نیست رای بگیرند و ممکن است دو نفر نایب رئیس از طرف مجلس حضور آقای رئیس الوزراء بروند و تصمیم مجلس را عرض کنند و توجه آقای رئیس الوزراء را به مسئله نظمی معطوف کنند و چون وقت هم برای

این کار کم است بهتر این است که این دو مسئله را بهمیدگر مخلوط بکنیم و فعلاً تصفیه ژاندارمری کاری نداشته باشیم البته در مسئله ژاندارمری هم مجلس وظیفه دار خواهد بود که زیادتر از این داخل در یک مساعدت و همراهی عملی شود ولی برای اینکه هر دو مسئله مخلوط و داخل هم نشود و بواسطه کمی وقت هر دو از دستمان نروند بنده معتقد هستم که فعلاً مسئله نظمی اکتفا کنیم و بالاخره مسئله خواستن چهل هزار تومان هم یک چیز بزرگ مشکلی نیست که دولت نتواند موافق شود بلی در آن موقعی که در تعیین محل از برای نظمی مخالفت میکردیم مخالفت ما راجع بقانون بود والا خود آقایان در نظرشان نیست که ما خودمان باعث شدیم وزیر مالیه تشریف آوردند و در مجلس علنی تقبل فرمودند که عایدات و مالیات مستغلات و اعلا از برای نظمی اختصاص بدهند پس همانطوریکه آقای وزیر مالیه تقبل کرده اند هیچ چیز مانع از این نیست که دولت عایدات مالیات مستغلات را برای نظمی تخصیص بدهد و بالاخره قنای تأمینیه ما را حفظ کند محتاج برض بنده نیست که مسیو وستداهل بودن و نبودنش چه فراقهت دارد البته همه مردم مسیوق هستند ولابد در این دو سال که یک مدت کمی است اوضاع اسف انگیز نظمی را که سابق در تهران داشتیم و هنوز نمونه آنرا در ولایات داریم فراموش نکرده اند و اگر فعلاً ما بخواهیم استفاده بکنیم لازم است همین امشب با فردا از طرف هیئت رئیس دو نفر نایب رئیس خدمت آقای رئیس الوزراء بروند صحبت کنند و اینکار خاتمه بدهند.

نایب رئیس - اگر باین پیشنهاد ثانوی آقای

سردار معظم که رفتن دو نفر نایب رئیس خدمت رئیس الوزراء است مخالفی نیست رای میگیریم (گفته شد لازم برای نیست).

نایب رئیس - بسیار خوب حالا که مخالفی

نیست همینطور رفتار میکنیم. **اعزاز السلطنه -** بنده کراراً خاطر غالب آقایان نمایندگان معترض از اوضاع ناگوار کردستان و نبودن هشت ماه حکومت در آنجا مستحضر نموده که بواسطه نداشتن حکومت بکلی آسایش از مردم سلب شده است و بالاخره بواسطه تأخیر و تعیین حکومت جزئی علاقه بنده هم در جرحه علاقه جات بنا براین بکلی مستأصل شده باشم چنانچه مجلس مقدس تصویب کرده ناگزیر از مسافرت هستم از طرف دیگر چون کمیسیون قوانین مالیه مهم است و بنده در آنجا عضویت دارم بر خود روا می دارم در غیبت بنده بکسفر از اعضاء آن ناقص باشد لذا از عضویت کمیسیون قوانین مالیه استعفاء می دهم و مستعفی هستم انتخاب بکنم و بجای بنده جردستور جلسه آتی تعیین فرمائید.

نایب رئیس - اگر مخالفی نیست جلسه را

ختم میکنم جلسه آینده روز شنبه بیستم ذیحجه سه ساعت قبل از غروب و دستور آن بقیه قانون نشون گیری و انتخاب بکنم عضویت کمیسیون قوانین مالیه خواهد بود پیشنهادی هم آقای حاج مراد مالک کرده اند اگر آقایان اجازه میدهند خوانده شود (پیشنودن ذیل خوانده شد)

نایب رئیس - بنده پیشنهاد میکنم از طرف مجلس بوزارت

مالیه ابلاغ شود که بخزانه داری کل اخطار نمایند

کلبه حوالجات و درخواستهای که تاکنون صادر و پرداخته نشده پس از تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات بپردازند و بدون تصویب کمیسیون تطبیق ولو اینکه راجع بمخارج ایام گذشته باشد در صورتی که حوالجات بتصویب کمیسیون سه نفری سابق رسیده است وجهی داده نشود.

حاج عز المملک - نظر آقایان نمایندگان

از وضع قانون تشکیلات و تعیین یک کمیسیون بنام کمیسیون تطبیق حوالجات مسیوق است و لازم نیست در این موقع بنده شرح بدهم و البته مطابق آن قانون بایستی کلبه حوالجات بتصویب آن کمیسیون برسد و دو خزانه داری موقع خرج پیدا کند و این پیشنهاد بنده یک نقطه نظری را میرساند آن نقطه نظر راجع بایام قنوت است اگر چه سابق یک پیشنهادی شد که کمیسیون سه نفری باقی باشد تا کمیسیون تطبیق حوالجات تعیین شود ولی متأسفانه کمیسیون سه نفری تشکیل نشده و همینطور گذشت و آنچه بنده اطلاع دارم یک مبلغی در خواست و حوالجات نسبت بمخارج این ایام و مخارج گذشته صادر شده و اگر این حوالجات و در خواست ها بنظر کمیسیون تطبیق حوالجات برسد به عقیده بنده ممکن است یک ضرر هائی متوجه دولت شود باین معنی ممکن است از این مسئله استفاده کرده و بگویند چون این مخارج راجع بایام گذشته است و در موقعی بود که کمیسیون تطبیق حوالجات وجود نداشته است در خزانه داری پرداخته شده است باین دلیل از آقایان تقاضا میکنم که اگر با این پیشنهاد موافقت داشته باشند رای بدهند کلبه حوالجات که تا بحال موقع خرج پیدا نکرده و سابقاً هم بتصویب کمیسیون سه نفری رسیده حالیه در کمیسیون تطبیق حوالجات مطرح شود پس از تصویب این کمیسیون پرداخته شود.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی

نیست اگر آقایان موافق باشند بگذاریم برای جلسه بعد.

مجلس یکساعت و ربع از شب گذشته

جلسه ۷۷

صورت مشروح مجلس روز شنبه بیستم

شهر ذی حجه ۱۳۲۷

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه شانزدهم قرائت شد **قانونین با اجازه -** مدحت السلطنه - ملک الشمره حاج شیخ محمد حسین یزدی - ناصر الاسلام - بدون اجازه - آقای سید اسدالله چهارسوقی حاج سید اسدالله قزوینی میرزاهاشم خان - صدر الملک نجفقلی میرزا - حسینی نواب - محمد هاشم میرزا مریم آقا شیخ رضا دهخوارقانی شریعتمدار

رئیس - آقای حاج شیخ محمد حسن راجع

بصورت مجلس اظهاری دارید.

حاج شیخ محمد حسن - تهنه است راجع

بصورت مجلس اگر اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست - (ایرادی نشد) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد.

حاج شیخ محمد حسن - در جلسه روز سه شنبه در مذاکرات قانون نظام راجع بیکری از شرایط ماده پنجم حقیر در نطق خود اظهاراتی کردم و دلایلی برای اقامه مصوبه کمیسیون اقامه کردم از قرار معلوم بواسطه انتصاب متلی که آوردم عقیده داعی را بطور دیگر تعبیر کرده اند و از این سوغتفاهم کمال افسوس را دارم .

رئیس - بلی معلوم میشود دو جلسه گذشته بواسطه همین سوءانتخاب متلی که فرمودند سوءتفاهمی حاصل شده است و عقیده ایشان آنطوریکه جلوه داده شده بود بنده باین ترتیبی که اخطار فرمودند معلوم میشود قصدی نداشته اند لهذا این مسئله را ختم شده فرض میکنیم (جمعی تصدیق کردند) دستور امروز شور دوم در قانون سرباز گریست از ماده پنجم ماده مزبور بقرار ذیل قرائت شد .

ماده نهم - تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یادار مراعات شرایط ماده ه بوسیله پیشنهاد و معرفی اهالی سرباز دهنده بانقلاب هیئتی از مأمورین وزارت جنگ و اشخاص که بتوسط دولت از محل تعیین شده باشد بعمل آمده در صورتیکه عده اشخاص معرفی شده که دارای شرایط لازمه باشند اضافه بر ماخذ بنیچه محل گردد عده لازمه با قرعه معین میشود هر گاه عده کافی موافق شرایط سربازی در آن بنیچه نباشد مالکین میتوانند ضمانت نموده از اشخاص دیگر همان محل این نقصان را تکمیل کنند .

مدرس - اولاً يك توضیحی میخواهم و آن این است که آن کسیکه پیشنهاد میکنند اگر دارای شرایط باشد آیا مأمورین مجبورند او را اختیار کنند یا اینکه مختار هستند در اینکه او را اختیار بکنند یا نکنند .

معاون وزارت جنگ - رتبیکه مالک یا رعیت کسی را به کمیسیون سرباز گیری پیشنهاد میکنند کمیسیون سرباز گیری باید بعد از متوجه شدن باین قانون متوجه نظامنامه سرباز گیری هم باشد چون در آن نظامنامه بعضی شرایط دیگری هم برای سرباز هست که باید آنها هم ملاحظه شود .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - در خصوص ترتیب یادار بنده يك پیشنهادی کرده بودم که باید یادار را ملفی کنند .

مخبر - بلی يك پیشنهادی آقا فرموده اند که یادار باید ملفی شود و در این جا نوشته شود که یکصد و پنجاه تومان دارائی داشته باشد این مسئله در کمیسیون مطرح مذاکره شد و بعد از مذاکرات کاملی که با حضور نماینده وزارت جنگ بعمل آمده گفته شد برای سرباز گیری يك شرط مشکلی است این را ممکن است سرباز ملک یا خانه نداشته باشد ولی پولی داشته باشد و یا بالعکس با این ترتیب وزارت جنگ یکصد و پنجاه تومان ملک یا خانه داشتن را لازم نمیداند .

رئیس - این مواردیکه در اینجا قابل توجه میشود و بکمیسیون میرود باید در راجع ابورت کمیسیون متذکر شوند که آن مواد را قبول کرده اند یا خیر چون هیچ معلوم نمی شود پنج شش فقره موادیکه

سابقاً بکمیسیون رفته بود کدامش قبول شده است و کدامش قبول نشده است .
مخبر - بعد از این مراعات این مطلب میشود و نوشته خواهد شد .

آقای سید فاضل - در شور اول در باب اینکه تعیین افراد بنیچه یا صاحبان بنیچه باشد بعضی مذاکرات شد و با اینکه نماینده وزارت جنگ میگویند ترتیب آن عده را که صاحبان بنیچه باید بدهند طوری خواهد بود که هیئت قشون گیری در قبول و عدم آن مختار میباشد ابتدا آن مفاسد و مضراتی که در باب قشون گیری در محل بود مرتفع نخواهد شد و باز صاحبان بنیچه گرفتار آن تعقیبات سابقه خواهند بود لهذا بنده باز پیشنهاد میکنم که تعیین قشون مانند مالیات نقدی بعهده صاحبان بنیچه باشد چون فرق نمیکند مالیات بر دو قسمت است یکی مالیات نقدیست و يك قسم افراد قشونی که صاحبان بنیچه میدهند پس هم چنانکه در پرداخت مالیات نقدی اختیار تادیه بامؤدیست در این جا هم اختیار تعیین افراد قشونی باید با صاحبان بنیچه باشد بلی نهایت چیزیکه میتوانستند اظهار کنند این است که قشون باید دارای شرایط باشد ولی بعد از آنکه يك عده شرایط اساسی آنرا یا در ماده پنجم تصویب کردیم اگر بعضی شرایط غیر لازمه یا شرایط نظامنامه که داخل در مزایاست باشد گمان میکنم بواسطه آنها تعیین صاحبان بنیچه ساقط شود و در صورتیکه هیئت قشون دیگری مجبور بقبول پیشنهاد صاحبان بنیچه باشد ابتدا آن تعقیقات و اشکالات سابقه که مردم بواسطه آنها در فشار بودند مرتفع نخواهد شد در این باب پیشنهادی هم کرده ایم و تقدیم میکنم

مخبر - در این موضوع چندین پیشنهاد تقریباً مخالف با یکدیگر بکمیسیون آمده بعضی عقیده شان این بود که بدون سؤال و جواب هر کس را که هیئت مأمورین نظامی برای سرباز گیری صلاح دیدند قبول کنند وزیر بیرون حاضر شود جماعت دیگر عقیده شان این بود که مأمورین هیچ وجه دخالت در انتخابات سرباز نداشته باشند و هیئت قشون که شروط سربازی در چند نفر موجود شد مالک بکفراز آنها را بر رئیس فوج یا مأمور سرباز گیری معرفی کنند او بدون چون و چرا باید آن سرباز را قبول کند که در محل خودش بفرستد در هر يك از اینصورت مفاسدی بود که مذاکره شد و بعد از مذاکرات زیاد ماده ۹ باین ترتیب مرتب و بمجلس پیشنهاد شد بنده گمان میکنم در این صورت نظریات طرفین هر دو ملحوظ شده است یعنی از طرفی معین میکنند که آن عده که برای سرباز گیری میروند باید چه طور اشخاصی باشند تنها مأمورین وزارت جنگ باینها رئیس فوج نیست بلکه چندین نفر مأمور تعیین نماینده وزارت جنگ و وزارت داخله و وزارت مالیه و هیئت مطبوعه مجلس و ملای محل برای انتخاب سرباز باید حاضر شوند و اختیارات تام و تمام بنشیند وزارت جنگ داده نشده است که هر کس را بخواهد بپول و اراده خودش بگیرد و از طرف دیگر شروطی برای سرباز معین شد است که اینها خودش مانع است از اینکه مأمور وزارت جنگ بخواهد بعضی صلیات بکنند و اگر عده دارای شرایط هم زیاد تر از ماخذ شد آن عده که منظور

آن قشارتیکه بمردم وارد میاید همچنانکه در زمانهای سابق وارد میآمد باید اختیار تعیین اشخاص را بعهده صاحبان بنیچه واگذارند يك فقره دیگر هم که بنده تامل دارم این است که بنویسند در صورتیکه عده حکامانی موافق شرایط سربازی در آن بنیچه نباشد آن وقت مالکین باید ضمانت نموده و از اشخاص دیگر همان محل بامورین وزارت جنگ معرفی کنند میخواستم عرض کنم اگر اشخاص دارای شرایط مزبوره در آن قصبه و آن ده نباشند آنوقت چه خواهند کرد؟ پس برای این صورت هم باید بنویسند که در صورتیکه در آن ده اشخاص دارای شرایط سربازی موجود نباشند از محل های دیگر با شرایط مزبوره صاحبان بنیچه ضمانت کنند و بامورین دات پیشنهاد کنندو آنها هم قبول کنند بعد از آنکه این اختیار را بمالکین دادیم و صاحبان بنیچه این اختیار را دارا شدند دیگر عنوان فقره در این ماده لغو میشود قرعه یعنی چه صاحبان بنیچه يك عده اشخاصی بامورین دولت معرفی میکنند اگر دارای شرایط نباشند آنها را تبدیل میکنند و اشخاص دیگری که دارای شرایط هستند معرفی میکنند در اینصورت دیگر موضوع قرعه از میان می رود قرعه باید از این ماده حذف شود این است که بنده يك پیشنهاد میکنم که خیلی مختصر است که تعیین افراد سرباز با شرایطی که در ماده پنجم ذکر شده است اختیار فقط با صاحبان بنیچه باشد که بامورین وزارت جنگ پیشنهاد کنند و اگر دارای شرایط شد مأمورین وزارت جنگ مجبور باشند او را بپذیرد

معاون وزارت جنگ - عنواناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بهیچ ماده قابل قبول وزارت جنگ نیست سرباز مطابق این مواد و شرایطی که در این جا نوشته شده است یعنی از تاریخی که وارد سن بیست سال شد در هر محلی در تحت اختیار مستقیم وزارت جنگ خواهد بود و مسلم است در این جا بعضی شرایط اصلی ذکر شده است و شرایط فرضی فیسده نشده است مثلا ممکن است مالکین یا صاحبان بنیچه اشخاص دارای این شرایط را بیارند یا بدهند در صورتیکه قمش کوتاه است یا بکفراز بدهند و اهل سابقه باشد دیگر اینکه يك کمیسیون یا يك هیئتی که میروند برای مملکت خودشان يك خدمتی بکنند چرا باید از اول قیاسی بکنیم که اینها با رعیت دشمن هستند و اینکه نماینده محترم از این اندیشه دارند و شاید آن مأمورین برای يك طعمی یا يك غرض يك احدی را رها کند و محدودی را بپذیرد برای این مسئله هم وزارت جنگ پیش بینی کرد و مواد خیلی سختی مقرر کرده است که رعیت سرباز بدهد بآن مواد متوسل شود و البته يك هیئتی که برای گرفتن سرباز از طرف دولت بعمل میروند يك سندی در دست خواهند داشت و آن سند یکی این قانون و یکی آن نظامنامه است که با مضامین پادشاه مملکت خواهد رسید و با این حال آن مأمورین هیچ نمیتوانند از حدود آن قانون و آن نظامنامه تعدی و تجاوز کنند و من نمیدانم دوا بچا تولید اینهمه اشکال برای چیست پس آن وزارت جنگی که اختیار شناسائی و تعیین قد و قواره سرباز خودش را نداشته باشد من نمیدانم چه طور میتواند خدمت بکند و انتظام و اداره مملکت را در عهده بگیرد

مدرس - اگر چه وظیفه و کلاه مجلس شورای ملی این است که مهما ممکن ملاحظه آسایش ملت و افراد ملت را بکنند اما عقیده بنده اینست این مذاکراتی که بعضی آقایان فرمودند خیلی طرفداری از دولت است ما فقط میخواهیم موفق بداشتند سرباز بشویم و غرض ما داشتن سرباز است و هیئت مطبوعه آقا فرمودند وزارت جنگ نمیتواند قبول کند شخص بنده هم که بکفراز هستم نمیتوانم از طرف ملت این ماده را قبول بکنم این ماده مشتعل بر مطالبی است که بعضی آقایان فرمودند و بعضی پیشنهاد کردند که یادار باید معینی گردان فرمایش های خیلی متین وار روی فلسفه است و بهیچ طریق که پیشنهاد فرموده اند یا به قسم دیگر باید واضح و روشن باشد که سرباز یا دار یعنی چه شاید ایران بعضی نقطه داشته باشد که وقتی بگوئی یادار خیال بکنند باید يك کسی را بیارند که با داشته باشد پس باید معین کرد که یادار چه چیز است و الا اسباب زحمت میشود اینکه فرمودند باید مأمورین وزارت جنگ اختیار داشته باشند و الا چگونه میتوانند اداره کنند عرض میکنم این کسیکه سرباز میشود مسئولش کی خواهد بود آیا مالک مسئول این سرباز خواهد بود یا نخواهد بود پس اگر کسی باشد که با اختیار من نباشد امکان ندارد من مسئول باشم مثلا شما میروید بکفراز یا دونه سرباز از يك محلی میخواهید آنکس را که او پیشنهاد میکند شما قبول نمیکند و يك کسی دیگر را میخواهید در اینصورت او چه طور میتواند ضامن باشد این يك مطالبی است که برهانش با خودش است آنرا که او پیشنهاد میکند شما قبول نمیکند و آنکسی را که شما قبول میکنید غیر از پیشنهاد او است پس چگونه میشود که در غیر پیشنهاد خودش مسئول باشد بلی تا مأمورین دولت را تقدیس میکنم البته مأمورین دولت با رعیت فرضی ندارند اما محبت با چیزهای دیگری دارند نه اینکه با رعیت فرضی داشته باشند و آنکسی که شما سرباز میخواهید که دارای شرایط باشد میخواهد قدش دو زرع باشد در قانون مینویسد که دوزخ هر چه میخواهید در قانون شرایط بنویسند که وقتی مأمورین میروند و مالکین يك کسانی را که دارای شرایط هستند میآورند دیگر مأمورین اختیار اینرا نداشته باشند که بگویند این شخص دارای شرایط است ولی قبول نداریم و باین ترتیب همان قسمی که فرمودند بقرعه اتفاق نمیافتد بجهت اینکه رعیت هرگز زیاد تر آنقدری که میخواهید نخواهند آورد بکمه را میآورند پیشنهاد میکنید اگر مأمورین وزارت جنگ قبول کردند قبا و الا کسی دیگر را پیشنهاد میکنند بنا بر این این ماده سر تا پایش اسباب زحمت است و گمان میکنم خوب موفق نشویم پس اگر شرایط دیگری لازم است در قانون بنویسند تا آن کسیکه مکلف بدادن سرباز است بر طبق آن شرایط سرباز بدهد و اگر آن سرباز دارای شرایط شد مأمورین بگویند قبول نمیکند و لزومی ندارد که بعضی شرایط را در قانون و بعضی را در نظامنامه بنویسند زیرا میدانید زحمانیکه بمردم وارد میاید چه قدر است و بعد از آنکه در گرفتن سرباز بمردم زحمت زیاد وارد شد تلفت میشوند و بزرمت و سمرات بگرفتن سرباز موفق میشویم اما اگر زحمت مردم فوق العاده نباشد با حکمال میل

اقدام خواهد کرد و ما صاحب قشون خواهیم بود لهذا باید با دارا معین کرد و قرعه را لغو نمود و این مطالب را تماماً با غرض مشروع و خوبی که داریم مضمومیدانیم .
مخبر - اولاً آقای حاج شیخ اسد الله اظهار میفرمایند که دولت در پیشنهادیکه میکند تکلیف این است قدرت خودش را زیاد کند و ما هم تکلیف مان این است که بکفرازی از آن اقتدارات بکاهیم بنده تصور میکنم دولت ملتیش نباشد در همه یکست و ما هم که تا باینده کان ملت هستیم بیشتر جابه جیم که قوای مملکت و ملتمان افزوده شود و قوتش بیشتر بود که بتواند يك کاری بکند میکنم در این موضوع يك شکمشک وجود نداشته باشد اما اینکه فرمودند صاحبان بنیچه اختیار داشته باشند بنده در قرعه قبول هم شرحی عرض کردم که يك مالکی که باید صد یا صد و پنجاه نفر سرباز بدهد این آدم مالک آن ملک است مالک اشخاص نیست که این اشخاص را انتخاب کند و بیارود و نماینده وزارت جنگ را مجبور کند که قبول نماید بنده گمان میکنم وزارت جنگ نمی تواند هر کس را که خواهد سرباز بدارد در دوام وجود باشد از برای سربازی بگیرد هیچوقت پنج نفریکه در يك بنیچه هستند ممکن نیست یکی بر دیگری سبقت بگیرد وزارت جنگ مجبور خواهد بود که خودش میان آنها حکم باشد و یکی از آنها را اختیار کند پس اختیار آن کسی را که باید سرباز شود نباید بمالک ملک واگذار کرد بجهت اینکه او مالک ملک است نه مالک اشخاص و اینکه آقای مدرس فرمودند چرا بعضی شروط را در قانون و بعضی در نظامنامه بنویسند عرض میکنم نظامنامه وزارت جنگ مثل سایر نظامنامه ها نیست یعنی آنرا مثل نظامنامه سایر وزارتخانه ها نمی شود فرض کرد يك نظام نامه است که خودش يك قانون مفصل و مدونی است که از او تجاوز و تحمضی ممکن نیست مثل اینکه چندین فصل آن تا امروز نوشته شده است و پس از اتمام باید بصد ملوکانه برسد و بوضع اجراء گذاشته شود با این ترتیب بعض جزئیاتی را که راجع به نظامنامه است نمی توان قانون نوشت و الا آن قانون خیلی مفصل و مشروح خواهد شد بنابراین گمان میکنم باید اختیار گرفتن سرباز با مأمورین دولت یعنی آن رئیس که از طرف وزارت جنگ و مالیه و داخله معین میشود باشد
رئیس - پنج فقره پیشنهاد رسیده است يك فقره راجع بتعریف یاداری دو فقره دیگر راجع به حذف یاداری و دو فقره دیگر راجع بحذف انتخاب هیئت مأمورین است اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند قرائت شود و رأی بگیریم - (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - پس رأی میکنیم آقایان اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند .
(عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - معلوم است کافی نیست
آقای شیخ ابراهیم زنجانی - با اعتقاد بنده باید در هر امر مقام جریان را بنظر آور و اشکالات را ملاحظه کرد بعد آن اشکالات را با قانون رفع کرد هر جا که مأمورین از طرف دولت معین شدند و برای سرباز گیری رفتند چنانکه دیده ایم گریبان پسر که خدا را می چسبند که باید این شخص سرباز

پشود و پادار است برای آنکه آن بیچاره فلان قدر بدهد و از سر بازی معاف شود یا اینکه يك كسى بفرمان حاجى است مىگویند حكما باید سر باز شود تا اینکه با وساطتى خلاص شود و آنوقت كه اهل محل يك كسى را آوردند چون بی خبر است و كاسب هم نیست دشتبان است مىگویند جهنم عیب ندارد سر باز شود و او را قبول مى کنند هم بنظر طرف اشكال دارد و هم آنطرف سر باز گیرى كار سهلى است نه در این مملكت مطلقا در تمام عالم كار سهلى نیست باید معلوم باشد كه شرایطش چیست مثلا پادار را معنى نكرده اند معلوم نیست چه خواهند كرد آنچه كه بنده پیشنهاد کرده بودم این بود كه يك خانه مایلك صد و پنجاه تومانی داشته باشد یا مالك ملك ضامن باشد چون كسیكه سر باز مى شود پول داوطلبى مىگیرد اگر گریخت باید چیزی داشته باشد یا مالك ملك ضمانت کرده باشد كه بتواند هوش را بگیرند زیاد بر این بنده پیشنهاد نكرده بودم و آنهم برای پادار بودن هیچ اشكالى نداشت اما در خصوص اینکه اهل ده بخوانند سر باز را پیشنهاد كنند اتفاق می افتد كه جمعی این شخص و جمعی آن شخص را پیشنهاد مى کنند آنوقت هر گاه عدو زیاد شد و هوش پنج نفر ده نفر پیشنهاد شد و تمام ادارى شرایط بودند و مأمورین دولت همه را لاین و خوب دانسته آیا چه خواهند كرد بحكم قرعه پنج نفر را از میان آنها انتخاب خواهند كرد یا اینکه مأمورین دولت خواهند گفت یا این پنج نفر را انتخاب مى كنیم اگر اینطور باشد بقرعه نرسد آیا شق اول را باید انتخاب كند یا شق دوم را در صورتیکه مأمورین دولت بداند نخواهد خود انتخاب كنند پس دیگر قرعه بر آن چه وقت است بقیعه من هر گاه عدو را كسر ساز دهند كان معین مى کنند اگر داران شرایط باشند باید مأمورین دولت مجبور به قبول باشند و الا اگر بگویند اینها را رد مى كنیم باید دلیل داشته باشند و اگر زیاد بر عدو لازم بیارند باید بقرعه باشد دیگر اختیار انتخاب را نمى دانم در چه صورتى است آیا وقتی است كه بقدر لزوم پیشنهاد شده یا وقتی شرایط باشند در اینصورت هم كه بقرعه است پس انتخاب مأمورین دولت در چه صورت است این را معین بفرمایند

لازم دارند باختیار خودانتخاب میکنند گمان نمى كنم آن ماده بیجی داشته باشد .
سردار معظم - درشور اولش در این ماده يك اساسى معین اتخاذ نشده بود و آن اختیار دادن بدولت بود از برای اخذ سر باز ولى بعضى نظر های مخالف در مجلس اظهار شد غرض این نیست كه يكى از این دو نظر باید اتخاذ شود یا اینکه كاملا اختیار گرفتن سر باز بدولت داده شود یا اینکه به مالكین و صاحبان بنیچه این اختیار واگذار شود و الا حد مشترك اتخاذ كردن اسباب زحمت است معنی اگر به پیشنهاد رها بیاو مالكین و قبول كردن مأمورین باشد نظر پاتى است كه آیا پیشنهاد كننده چه حق دارد آیا مأمورین حق دارند رد كنند یا نه و در ضمن فرموده دیگر چه ترتیب خواهد بود بقیعه بنده هوش اینكه این ماده اصلاح خود قدرى خرابتر شده است چنانچه اگر اختیار سر باز یا مالكین باشد دیگر قرعه محل نخواهد داشت بجهت اینکه خواهند گفت فلان محل چند نفر مطابق شرایط معین كنند آنها هم همان عدو را معین میکنند دیگر قرعه نمى خواهند و هم چنین قسمت اخیر ماده مىگوید هر گاه عدو كافی موافق شرایط سر بازی در آن بنیچه نباشد مالكین مى توانند ضمانت نمود از اشخاص دیگر همان محل این نقصان را تكمیل كنند بقیعه بنده این مسئله در عمل وجود خارجی پیدا نخواهد كرد و باقی است این خواهد شد كه در همه محلها بگویند ما عدو لازم را نداریم آنوقت بروند يك اشخاص بی یائى را از خارج بیارند پس معاین این ماده خیلی زیاد است و خوبست از طرف آقای مخبر موافقت شود و این ماده برگردد بكمسیون بجهت اینکه هر چه بخوانیم این ماده را در محل دست كنیم نخواهد بود پیشنهادهاى هم كه شده است قایده نخواهد داشت و باعث مذاكرات زیاد مثلا بعضى از آن پیشنهاد هاى كه کرده اند واجب به تعریف پادارى است بقیعه بنده این اشكال وارد است و حقیقتاً تعریف پادارى باید در قانون بشود معنی وقتیکه مىگویند سر باز باید پادار باشد باید معلوم باشد بقرعه باید داشته باشد چون پادارى حد معینی كه ندارد مليون هر چه پادار است يك كسى هم كه ده تومان دارد پادار است پس عقیقه بنده این است كه خوبست این ماده را برگردانند بكمسیون و علاوه بر اعضا كمسیون يك چند نفرى هم از مخالفین حاضر شوند و تبادل فكرى بكنند و این ماده را يك جامعى درست كنند و بمجلس بیارند .

از عدو بنیچه معاف نموده از محلهای مربوط بهمان حوزه كه استمداد داشته باشد با موافقت وزارت مالیه هوش بگیرد .
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - این محلهای مربوط همان حوزه اگر جاهای است كه بقدریکه مالیات خود سر باز هم دارد پس بچه دلیل میتوان این تحصیل بشود مثلا يك جائى خراب است و جای دیگر آباد اما آنجا كه آباد است بقدر لزوم سر باز میدهد پس گفتن آنكه بجای دیگر تحصیل خواهد شد چگونه خواهد بود
مخبر - لایه آقا دقت فرمودند كه بعضى محلها است كه سر باز میدهد و مالیاتشان نسبتا كتر است و بعضى محل های دیگر نزدیک آنها هست كه مالیات بیشتر میدهند و از سر باز دادن معافند آنكه نوشته شده است از محلهای مربوطه همان حوزه برای این است كه ممكن است يك دهى خراب شده باشد و قدرت دادن سر باز را نداشته باشد ولی يكده دیگر نزدیک آن ده جدیدالنسب و تازه احداث شده باشد معنی جزو همان املاكى كه باید سر باز بدهد بكمسى تازه آباد شده و هیچ سر باز ندارد یا اینکه يك محلى باشد كه يك سر باز كمی داشته باشد مثلا باید بر حسب آبادى سى نفر سر باز بدهد اما وقتیکه دقت میکنیم می بینم دو نفر سر باز نمیدهد یا هیچ سر باز نمیدهد البته در اینصورت وزارت جنگ با موافقت نظر وزارت مالیه و مأمورین او میتواند بقرعه سر باز آن ده بیفزاید كه در حقیقت میان آن فوج و آن قسمت يك تساوى بعمل آمده باشد و هر كس با اندازه خودش سر باز داده باشد

حاج امام جمعه - بنده همان اشكالى را بنظر آقای زنجانی آمد مىخواستم بگویم و این تقریرات آقای سردار مرا قانع نكرد بجهت اینکه آن جمع را كه میخواهند بر آن این تحصیل را بكنند اگر مالیات بنیچه دارد بیشتر از بنیچه خودش نخواهد داد و اگر مالیات نداشته باشد و جدیدالنسب باشد شما كه مىگویند باید كه سر باز بر آنها تحصیل شود در اینصورت نباید اول بر آن محل مالیات بپردازند و نتیجه اشرا معلوم كنند آنوقت بگویند این مقدار سر باز را بدهد این يك چیز بی اساسى است و هیچ نتیجه از آن معلوم نمیشود اما اینکه در ضمن مذاكرات نشان گفتند ممكن است در حوزه همان ده ممكن است يكده دیگری را آباد کرده باشند فرق نمیکند اینجا سر باز نمیدهد آنجا میدهد برای اینکه این همان ده است اگر يك دهى را از آنجا بردارند و در نیم فرسخى آبادى درست كنند دیگر نمىگویند آنجا استمداد محلى ندارد او همان ده است تنها معنی تیر کرده است پس اینکه آنجا نوشته اند نمىتواند موقع اجرا پیدا كند و بجای دیگر نمىتوان تحصیل كرد .

حاج شیخ اسدالله - چون در این ماده درشور اول مذاكره شد و يك قدرى در او دقت شده و بمجلس آمده است تصور میکنم يكى از موافقین این قانون باشد ولیكن چیزی كه هست باید توضیح شود كه حوزه معنی چه حوزه يكده است حوزه يك فوجى زیرا ممكن است در يك حوزه كه يك فوج سر باز میدهد يكى از دهات آن خراب شده باشد مثلا فلان ده حسن آباد مطابق بنیچه ده نفر سر باز نداشته امروز با اندازه مغرور به شده است كه مالك از

همه تادیه مالیات آن بر بنیچه و اگر بخواهد مطابق بنیچه ده نفر سر بازی كه بر آن بسته شده است بدهد از همه بر بنیچه در اینصورت وزارت جنگ با موافقت نظر وزارت مالیه تصدیق کرده است كه این محل خراب شده و قابل اینكه ده نفر سر باز بدهد نیست در همان حوزه كه هزار نفر سر باز بده است رجوع میکند می بیند كدام يك از این دهات لیات آنرا دارد چهار نفر یا دوفتر سر باز علاوه بر آن ده سر بازی كه میدهد است بدهد بر آنجا تحصیل میکند و اینکه ملاك هم میشود مطابق بنیچه كه داشته و سر باز میدهد است مطلب خیلی سهل است مثلا در يك دهى كه بیست تومان بنیچه دارد معنی در موقع بنیچه بندى كه میخواهند سر باز بر آن تحصیل كنند این بیست تومان بنیچه را نسبت باین ده نفر سر باز قسمت مىكردند و برای هر يك نفر سر بازی دو تومان بنیچه معین میشد حالا كه میخواهند دوفتر سر باز بر آنجا تحصیل كنند همان بیست تومان بنیچه را نسبت باین دوازده نفر سر باز تقسیم میکنند آنوقت بهر يك نفر سر بازی هفده قران یا هیجده قران میافتد باز فرق نمیکند بنیچه تغییرى نكرده اصل بنیچه بجای خودش باقیست منتها هر يك نفر سر باز در آن وقت دو تومان بنیچه داشته است حالا هر سر بازی هجده قران بنیچه دارد لیكن در دو موقع ممكن است فرق كند اسباب زحمت نشود چون لایه يك تحصیلى بر مالكین خواهد شد بكمسى برای یا دارى سر باز است كه باید يك چیزی بدهند و سر باز را پادار كنند و يكى خانوارى و نان خانه است كه هر ساله میداد اند و حالا چون محل لیات دارد وزارت مالیه تصدیق کرده آن وجهى كه سابق مثلا ده تومان خانوارى میداده حالا نباید دورده تومان بدهد پس اصلاح این امر را باید با تقسیم بكنند والا غیر از این نمیشود مگر اینکه بگویند هر دهى كه استمداد ندارد بان ده كلیتا تخفیف بدهند و از جای دیگر بگیرند اگر اینطور باشد اساس سر باز - كبرى مختل میشود و يك اساسى باقى نماند و معلوم میشود كدام فوج هزار نفر است و كدام فوج هشتصد نفر است و معلوم نیست بكمجا تخفیف داده نمیشود و بكمجا تخفیف داده نمیشود يك هر چه در نظر نام تو باید خواهد شد

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - يك اشكالى برای بنده پیش آمده است كه با این بیانات آن اشكال بنده حل نشد فرض میکنم يك دهى در يك حوزه یا يك بلوكى خراب شده و نمىتواند سر باز بدهد سایر دهات آن بلوك هم بحال خودش باقى است خراب نشده آباد تر هم نشده است و سر باز را هم مطابق بنیچه كه دارد میدهد مالیاتش را هم میدهد آنوقت اگر بنا باشد سر باز زیادتر بدهد مالیاتشان هم زیاد تر خواهد شد و آنچه را كه از باب خانوارى و سر - شارى میبهند اضافه بر مالیات آنها خواهد شد پس وزیر جنگ حق خواهد داشت هم مالیات زیاد كند و هم بر عدو سر باز بیفزاید والا اگر اینطور نباشد پس در يك محلى كه بقدر لزوم سر باز ندارد و در آن حوزه هم جائى آباد نشده است چه خواهند كرد .
سردار معظم - اولاً فرض میکنیم چنانچه آقایان مخالفین مىگویند پیشنهاد راه حل اشكالى كه برای ایشان دست داده است نسبت پس خوبست بفرمایند راه حل این مسئله چیست تا ما هم تصدیق كنیم البته آنچه در این ماده نوشته شده است اسباب تحصیل است نمىگویند تحصیل نسبت ولى قریباً يك دهى خراب

شده مقابل چه باید كرد باید تصور كرد كه پس از اینکه يك محلى خراب شده استمداد دادن آمده سر باز را نماند با باید تمام آمده را دولت تخفیف بدهد و از جای دیگر بگیرد یا اینکه قهراً مجبور است با اینکه میبیند تحصیل میشود مابین جاهای دیگر سرشكن كنند از این دوشق كه خارج نیست و شق دیگری بنظر نمىآید كه هم از هفده قشون كاسته نشود هم اینکه يك تحصیلى نشود شق اول را گمان نمیکند هیچ طرفدار نداشته باشد بجهت اینکه آقایان نمىتوانند گمان در جلسه گذشته پیشنهاد فرمودند عدو قشون از هفتاد پنج هزار نفر و هشتاد و سه هزار نفر تجاوز كنند و صد هزار نفر باشد پس از يكطرف ما خودمان را مقید میدانیم كه عدو قشونمان را زیاد كنیم و از طرف دیگر اگر آمده سر باز را كه محلشان خراب شده است بكملى تخفیف بدهیم تصور میکنم چند سالى بیشتر طول نكشد كه قشون ما بصرف برسد بجهت اینکه تمام نقاط بانواع واقسام وسائل دوسند بر خواهند آمد كه محل خود را خراب شده قلم بدهند و تخفیف بگیرند يك مسئله دیگری هم هست اینست اینکه مفرمانند يك محلى كه بقدر استمدادش سر باز میدهد و مالیاتش را هم میدهد دیگر چرا باید با آنجا تحصیل كرد فرض میکنم اگر مدبزی مالیاتى سر باز گیرى تازه شده بود آنوقت ممكن بود اینطرف را قبول كرد ولى فعلا در هیچ جا آن تناسبى كه مابین مالیات و عدو نفرات بوده است محفوظ و مضبوط نمانده است بعضى جا ها خیلی خیلی آباد شده است ولى بواسطه اقداماتى كه سالها كنند است از دادن سر باز معافیت گرفته اند و بالعكس بعضى جا ها كه خراب شده هنوز آن عدو سابق برقرار است بعضى جا هاى دیگری هم هست كه آباد شده تخفیف هم نكرده اند ولى بهمان ترتیب سابق و غیر منظم باقى است پس در اینصورت وقتی كه يك محلى خراب شده باشد چه باید كرد معلوم است خیلی ظلم و دور از عدالت خواهد بود كه بگوئیم این دهى كه خراب شده است سر باز خودش را بدهد پس قهراً باید بگوئیم آنها را معاف كنند بعد چه باید كرد و آنوقت با باید آمده را كه تخفیف داده اند هوش بگیرند آنچه كه از نظر نقصان عدو صلاح نیست پس صلاح اینست كه باید سرشكن كنند میان آن حوزه آن حوزه حوزه فوج است میان حوزه آن فوج باید سر - شكند كنند و اگر دسته سوار یا دسته توپچى است باید میان همان حوزه دسته سوار توپچى سرشكن شود علاوه در عمل خیلی شاذ و نادر خواهد بود كه در يك همچو حوزه وسیعى كه پنج نفر سر باز را بدهد كه نه مالیات دارد و نه قابل سر باز دادن است تخفیف داده ایم هیچ دهات دیگری نباشد كه قابل این تحصیل باشد و در عمل این مطلب بقدرى شاذ و نادر بود كه تصور میکنم محل اینلان نخواهد شد فرض میکنم كه در آن حوزه يك همچو دهاتى پیدا نشد آنوقت این پنج نفر سر باز بدهات همان حوزه سرشكن مى كنند و اگر يك نفر سر باز يك محلى اضافه شده كه فوق طاقت آن محل بود آنوقت مطابق همین ماده نمىتواند به وزارت جنگ رجوع كند وزارت جنگ هم بمعلى دیگری كه قابل این تحصیل نمىداند تحصیل خواهد كرد و اگر آمده هم دید فوق طاقت است بجای دیگر تحصیل خواهد شد بالاخره اگر در آن حوزه هیچ محل لایقى

پیدا نشد وزارت جنگ و وزارت مالیه ممكن است آن هده را تخفیف بدهند ولى در هر صورت اگر يكراه حلى برای اینكار پیدا نكنیم و بگوئیم بكملى تخفیف بدهند میترسم در ظرف يك مدت كمى عدو كمى قشون به صفر برسد .
حاج امام جمعه - بنده غالب این فرمایشات را نمیتوانم تصدیق كنم مفرمانند بكمجا اینکه ویران و خراب شد اگر بنا باشد سر باز را تخفیف بدهند و هوشش را بگیرند آنوقت فوجهاى به صفر میرسد ما مىگوئیم سعى كنید دهات آباد شود و در مقابل شود باید جهد كرد و نگذاشت ویران شود البته اگر خدا فكرده ویران شود صفر خواهد شد و اما اینکه مفرمانند ما از يكطرف میخواهیم از هده قشون كاسته نشود و از طرفى میخواهیم بخرابها تحصیل نكنیم اینطرف راست است باید دو قانون هر دو این نظر ها را جمع كرد و البته مسلم است كه وزارت جنگ هم مراعات هر دو اینها را خواهد كرد باین معنی كه وقتی كه وزارت جنگ داخل در عملیات شمر قشونش را گرفت اگر دید بعضى جاها لاوصول و بی محل مانده آنها را بصورت بر میدارد يك محلى از برای آنها معین میکند و بمجلس شورای ملی میآورد مجلس شورای ملی هم آنرا تصویب نمیکند و الا از حالا آدم يك قانون بی محلى وضع كند و بدست وزارت جنگ بدهد اینرا بنده نمیتوانم تصدیق كنم .

حاج شیخ محمد حسن گرجى سى - در صورت خرابى و عدو استمداد البته نظر باین نیست كه سر باز نماند یا مالیات نماند بلكه نظر ما باین است كه این محلى كه از بین رفته است جبران آنرا بچه بكنیم جبران و تدارك او باینست كه از حوزههاى دیگر گرفته شود پس نمىشود بگوئیم اینكار مستقیم است و هر محل قشون خودش را میدهد دیگر این هده را بكمجا تحصیل كنیم و این تحصیل صرف است خیر اینطور نیست مسئله بنیچه از روز اول تا كنون تغییرات كلى کرده است همینطور كه خرابى زیاد بهمرسانند همینطور آبادى زیاد هم بهمرسانند وقتى كه بنشیند این جبران را از حوزههاى دیگر تدارك كنند گمانم این است بدون اینکه بر كسى ظلمى وارد بیاید جبران میشود بلكه این عمل وادار میکند كه در آن تقاضا يك مدبزی بخصوص هم كه محتاج شده اند بنمایند .
رئیس - مذاكرات كویا كافی است را مىگیریم ماده دوم آقایانى كه ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .
 (عدو كبرى قیام نمودند و ماده یازدهم بقشون ذیل قرائت شد)
 ماده یازدهم - هر يك از نفرات و دستجات قشونى مطابق میزانى كه در بودجه وزارت جنگ تصویب خواهد شد حقوق محلى داده میشود .
حاج عز الدمهالك - بقیعه بنده لازم است در اینجا تصریح شود كه در بودجه وزارت جنگ كه از تصویب مجلس شورای اسامى خواهند گذشت برای اینکه تا این تصریح را نكنیم گمان نمیکند قابل رأى باشد .
مخبر - گمان میکنم هر رأى كه مجلس در بودجه همان حقوق سر باز داده خواهد شد جنبه (تصویب خواهد شد) متعلق بمجلس است غیر از